

کارگران همه ی کشورها  
متحد شوید

# نبرد خلق

شماره ۲۱۲  
دوره چهارم سال نوزدهم  
اول بهمن ۱۳۸۱  
امریکا کانادا ۱ دلار،  
اروپا یک یورو

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

## همایش در گرامیداشت

### حماسه سیاهکل

سخنرانی، پرسش و پاسخ  
زینت میرهاشمی  
هنرنمایی گروه آرس، وابسته به  
کارگاه هنر ایران  
تاریخ: شنبه ۱۵ فوریه ۲۰۰۳  
زمان: ساعت ۵ تا ۸ عصر  
مکان: آلمان - کلن

Jugendherberge Koeln-Riehl  
An der Schanz 14  
50735 Koeln  
Tel: 0049/2171/945055

سخنران، پرسش و پاسخ  
منصور امان

تاریخ: یکشنبه ۱۶ فوریه ۲۰۰۳  
زمان: ساعت ۳ تا ۷ عصر  
مکان: آمریکا - دالاس

Holiday inn 3101North  
Dollas  
75093 Plano Texas  
Tel: 214 566 8748



## اخبار اعتراض کارگران و مزدبگیران

در صفحه ۶

## ادعای لغو حکم سنگسار، ولوله در تفکر

### ار تجاعی آخوندها

در صفحه ۷

## زنان و مسیر رهایی

در صفحه ۷

## در باره طرح جبهه همبستگی ملی

مصاحبه با آقای روحانی  
پرسش و پاسخ: مهدی سامع

در صفحه ۱۵

## سایه روشنهای بودجه سال ۸۲

در صفحه ۹

## «خون برای نفت، نه»

### تظاهرات جهانی علیه جنگ طلبی در سراسر جهان

در صفحه ۲۰

## رخساره‌های امپریالیسم در دوران یک ساله‌ی پس از ۱۱ سپتامبر (۱)

در صفحه ۱۰

## یادداشت سیاسی

مهدی سامع

چنگال مفتضحانه در مورد چاپ یک کاریکاتور در روزنامه حیات نو و تلاش رفیقار باند مؤتلفه و به ویژه حبیب‌الله عسگر اولادی مسلمان برای به اصطلاح دفاع از بیضه اسلام و حفظ قداست امام راحل آنچنان تفر و انزجاری در سطوح مختلف جامعه بر انگیزخت که روز ۲۳ دی شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با انتشار یک اطلاعیه با تشکر فراوان از ارزال و اوپاشی که اطلاعیه آنان را «مراجع عظام تقلید، فضلا، مدرسان و طلاب حوزه های علمیه» معرفی کرده خواستار آن شده که: «مساله را فیصله یافته تلقی کنند».

بقیه در صفحه ۲

سر مقاله -----

## سازمان قهر، نیروی سیاسی

### انباشت قدرت

«بالماسکه ای که خامنه ای، رفسنجانی، شاهرودی و همگنان در آن با جامه ی اقتدار و قهر شرکت جسته اند، ته مانده حیات سیاسی را فقط از دل رفرمیستهای پیش از این و محافظه کاران کنونی به بیرون چاره می کنند. دانشجویان، کارگران، زنان، جوانان و ... پسین پرده این نمایش از سکه افتاده را با پوزخند بدرقه خواهند کرد.»

در صفحه ۳

## نمایندگان کارکنان صنعت نفت

### خواستار ایجاد اتحادیه‌های مستقل

### کارکنان صنعت نفت شدند

در صفحه ۵

## تغییر قانون کار

در صفحه ۵

## پوزش و تصحیح

در شماره قبل نبرد خلق، صفحه اول، در تیتیر «قیام ضد استبدادی دانشجویان ...» کلمه ضد جا افتاده بود، ضمن پوزش از خوانندگان نبرد خلق بدین وسیله تصحیح می‌شود.

## یادداشت سیاسی

بقیه از صفحه ۱

جنجال مربوط به چاپ این کاریکاتور آنچنان مفتضحانه بود که درخواست حبیب‌الله عسگر اولادی از رهبر بلا جواب ماند و خاتمی که موج اصلی حمله علیه او بود و در مراسم‌های سینه زنی و عزاداری آرازل و اوباش برای دفاع از حریم مقدس «اسلام و امام» برگزار شد، بارها «توکر و مزدور آمریکایی» خطاب و با «امیر عباس هویدا» مقایسه شد، فقط از نامناسب بودن این اقدام سخن گفت. در حقیقت وقتی باند مولفه خاتمی را با امیر عباس هویدا مقایسه می کنند، ولی فقیه نظام را به جای شاه نشانده است که از باب قدرت‌مند و مسئول اصلی دولت بود و هویدا به قول خودش فقط یک چاکر سرسپرده بود. به هر حال انتخاب این سوژه برای جنجال آفرینی به منظور تصفیه حساب با رقیبا خیلی زود رنگ باخت زیرا اکنون جامعه در شریطی است که این گونه عوام‌فریبیها و الم شنگه راه انداختن آنها نه فقط موجب تنفر و انزجار عمومی مردم از این حرکت‌های ابلهانه و هم چنین از کل نظام و بنیانگذار آن می شود، بلکه حتی در درون و در بدنه حکومت هم خریداری پیدا نمی کند و بنا بر این سرکردگان رژیم که بحران سرنگونی را به خوبی درک می کنند به وحشیانه ترین شکل‌های سرکوب متوسل شده اند. صدور احکام وحشیانه و قرون وسطایی از جانب پیدادگاه‌های انقلاب اسلامی، دستگیریهایی گسترده با یورش به منازل مردم در سراسر ایران، افزایش اعدامها و قطع اعضای بدن، یورش پاسداران و بسیجیان برای ضبط آنتنهای ماهواره ای، سی دی و فیلم ویدیویی، ترور مخفیانه مخالفان، فشار بر زنان و جوانان از حرکت‌های سرکوبگرانه ی روزمره رژیم است. توجه به چند نمونه از این رفتار قرون وسطایی و وحشیانه ابعاد سرکوب استبداد مذهبی حاکم بر ایران را بهتر نمایان می کند.

دبیرخانه کومله با انتشار بیانیه ای از محکومیت ساسان آل کنعان به اعدام، محکومیت دو نفر دیگر به نام های عدنان قادری و عثمان مرادی به ده سال حبس در تبعید محکوم و همچنین محکومیت محمد رستم زاده، نقاش و استاد دانشگاه، اهل بوکان به ۹۱ روز زندان و ۵۰ ضربه شلاق و نگهداری وی در بند معاندان و روانیهایی زندان بوکان خبر داده است.

روزنامه دولتی انتخاب در شماره روز ۲۴ دی خبر داد که حکم قطع انگشتان دست ۲ جوان که قادر و امیر نام دارند و محکومیت آنها از سوی قاضی دادگاه جنایی صادر شده بود، صبح روز گذشته در اداره آگاهی مرکز اجرا شد.

قدیم سمنان-فیروزکوه دفن کرده بود به قصاص محکوم خواهد شد

به حکم بی دادگاهی در شهر ری جوانی ۱۹ ساله به نام داود به جرم نوشیدن مشروبات الکلی به اعدام محکوم شد. این خبر را روزنامه دولتی ایران در روز ۲۱ دی اعلام کرد.

حکم اعدام ۶ نفر از که توسط شعب بی دادگاه‌های انقلاب اسلامی تهران صادر شده بود روز پنجشنبه ۱۹ دی در زندان اوین به اجرا درآمد.

بنا به حکم پیدادگاه انقلاب اسلامی شیراز که متن آن در صفحه اینترنتی گفتمان درج شده، چهار جوان در شیراز به اتهام قیام مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و زدنی، به قطع اعضای بدن محکوم شدند. رضا نظریات، ۲۲ ساله، محمد صفوی، ۲۲ ساله، مهدی بوبری، ۲۳ ساله و حسین امیری ۲۳ ساله به قطع دست راست و پای چپ محکوم شده اند.

روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۲۸ دی خود از حلق آویز یک زندانی به نام حسین علی امجدی خبر داد که روز پنجشنبه در شهر درود در ملاعام به دار آویخته شد.

روزنامه آفرینش در شماره ۲۸ دی خود نوشت: یک جوان ۲۲ ساله به نام احمد روز سه شنبه ۲۳ دی در زندان رجایی شهر کرج به دار آویخته شد.

به گزارش شماره ۲۶ دی روزنامه قدس، با تایید حکم اعدام یک راننده اتوبوس، وی در آستانه اعدام قرار گرفت.

آنچه در بالا به آن اشاره شد از حرکت‌های تنگنیز نظام متفوق ولایت فقیه در مورد شهروندان ایرانی است.

اما باید توجه کرد که اگر حکومت نمی تواند با جنجال آفرینی مردم را فریب و یا سرکوب کند، به طور مسلم نمی تواند این احکام وحشیانه را به سادگی اجرا کند. به ویژه در شرایطی که رفتار رژیم با افشاگری و واکنش‌های مخالفت آمیز و گسترده ایرانیان خارج از کشور مواجه می شود و رژیم ایران تحت کنترل دولتها و نهادهای بین المللی است. تجربه نشان داده که حرکت‌های متحدانه ایرانیان در خارج از کشور می تواند رژیم را به عقب نشینیهای قابل توجه ای وادارد. پیرامون جنبش‌های رژیم در ماه‌های اخیر، گروه‌های سیاسی - اجتماعی ایرانی و بین المللی و ایرانیان اسنادنوست و شرافتمند در سراسر جهان به فعالیتهای قابل توجه ای دست زدند که یک نمونه آن تشکیل «کمیته نجات محکومین پیدادگاه‌های رژیم جمهوری اسلامی» در شبکه جهانی اینترنت است. باید این تلاشها را هرچه بیشتر نمود. هر ایرانی می تواند از طریق فاکس یا پست الکترونیکی توجه سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر، دبیر کل و اعضای ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر ملل متحد و گزارشگر آن و کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا را به این جنبشها جلب کند. حرکت‌های افشاگرانه و تالاشهای همه‌ی ما ایرانیان می تواند حکومت را به عقب نشینی وادار کند و هر عقب نشینی رژیم گامیست که

## انحلال «شورای» حکومتی در جدال جناحها

زینت میرهاشمی «شورای» شهر تهران، روز سه شنبه ۲۴ دی ماه از سوی هیأت حل اختلاف منحل اعلام شد. همزمان شورای نگهبان، طرح پیشنهادی مجلس رژیم مبنی بر اصلاح قانون تشکیلات، وظایف و اختیارات شوراهای اسلامی کشور و انتخاب شهرداران را مخالف قانون اساسی دانسته و تصویب نکرد.

سخن‌پراکتان و نظریه پردازان دو خردادی، ایجاد شوراهای اسلامی شهر و روستا را یکی از دستاوردهای سیاست‌های خاتمی در رابطه با جامعه مدنی تعریف می کردند.

پایوران رژیم جمهوری اسلامی برای تداوم حیات مستبدانه خود، از آلوده نمودن واژه‌ها و ارزشهای مترقی و عدالت‌خواهانه دریغ نورزیده اند. خاتمی برای دگرگونه نشان دادن خود به مردم و فریب آنان، ایجاد شوراهای که یکی از خواسته‌های عدالت طلبانه مردم ایران را جنبشی مشروطیت تا کنون است را تبدیل به یکی از شعارهای تبلیغاتی خود کرد. شوراهای با اضافه شدن پسوند اسلامی، تعیین شرایط غیر مدنی برای نامزدهای آن و همچنین الزام تایید صلاحیت آنها، به نهادهای فرمایشی و ایدئولوژیک وابسته به ساختار حکومتی تبدیل شدند.

این نهاد هم مانند ارگانهای دیگر حکومتی، صحنه درگیریها و جدال قدرت جناح‌های حکومتی بود. جناح دوم خرداد با داشتن اکثریت در شورای اسلامی تهران، این نهاد را سنگری در برابر جناح دیگر می دانست. و از همان ابتدای تشکیل این نهاد حکومتی، همواره کشاکش بین دو جناح، نقطه ثقل فعالیت آنها تشکیل می داد. اینک با انحلال این شورای فرمایشی، دوم خردادیها یک ابزار قدرت خود را از دست داده اند.

رویدادهای اخیر، دستگیری فعالان و نظریه پردازان جناح دوم خردادی، توقیف روزنامه حیات نو و بهار، و سرانجام انحلال

## علیه احکام وحشیانه بی دادگاه‌های انقلاب شیراز

### به پا خیزیم

بر اساس حکم بی دادگاه انقلاب شیراز که متن آن در صفحه اینترنتی «ایران گفتمان» درج شده، قرار است دست راست و پای چپ چهار جوان به نام‌های رضا نظریات، محمد صفوی، مهدی بوبری و حسین امیری به اتهام‌های واهی مثل «سحرابه» و «سرقه مسلحانه» قطع شود.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران ضمن محکوم نمودن این حکم وحشیانه پیدادگاه انقلاب اسلامی شیراز توجه کمیسیون حقوق بشر ملل متحد، کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا، سازمان عفو بین‌المللی و دیگر نهادها و سازمانهای مدافع حقوق بشر را به این حکم وحشیانه و ضد انسانی جلب کرده و خواستار اقدام عاجل برای لغو این حکم ضد انسانی می باشد.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، ایرانیان را به یک مبارزه مشترک و همگانی برای لغو احکام ضد انسانی قصاص، سنگسار، قطع اعضای بدن و اعدام فرا می خواند.

سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

جمعه ۱۳ دی ۱۳۸۱

قدرت بین جناح‌ها را وارد موج تازه‌ای خواهد کرد.

شوراهای نهادیابی مدنی و نماینده قدرت بی واسطه مردم هستند که از پایین شکل گرفته و حق و وظیفه مناخله در تنظیمات سیاسی و مدنی جامعه را دارند. تشکیل شوراهای مردمی که خواست عادلانه و مترقی مردم ایران است، تنها در یک جامعه دموکراتیک و سکولار دست یافتنی است. وجود شوراهای مردمی در نقطه مقابل رژیم ولایت فقیه و اساسا نفی کننده آن است. ارگان سرهم بندی شده توسط حکومت تحت این عنوان، یک نهاد دموکراتیک و برگزیده شده توسط مردم نیست، بلکه ابزاری برای اعمال قدرت و کنترل آنان به شمار می رود.

ن گ فت: از بارگاه انتت .

## سرمقاله

## سازمان قهر، نیروی سیاسی انباشت قدرت

بر گستره سیاسی جمهوری اسلامی، ناتوانی واپسین سخن را به زبان می آورد. چهارچوب تنظیم مناسبات بین نهادهای رسمی و گرایشهای به ثبت رسیده از هر سو شکاف گرفته است و آئین نبرد سنگر به سنگر، هر قاعده ای از پیش تعیین شده ای را بی اعتبار می سازد. فروپاشی درونی "نظام" تنها در تقسیم آن به دسته های ستیزه جو ترجمان خود را باز نیافته، بسا بیشتر از آن، به پایان رسیدن گنجایش ظرف سیاسی جمهوری اسلامی برای جاری ساختن چنالهها در یک بستر مشترک، آغاز یک دوران جدید در حیات آن را به صحنه آورده است. گاه تعیین کننده ای که ویژگی اصلی آن، کاهش گرفتن وزن ساختارگرایانه رهپافتها و شتاب برای نزدیک شدن به سرفصلهایی است که توسط اراده ای یک نتیجه مشخص، نبرد در این یا آن کارزار عمومی را فرجام می بخشد این حقیقت که روشها و تدابیر به کار بسته شده بدین منظور، سازگاری ناچیزی با ترمهای رسمیت یافته پیدا می کند. دیرگاهی است که هیچکس و از همه کمتر، بخش قدرتمندتر حکومت را برآشفته نمی سازد. با گامهایی آهسته ولی مطمئن، ارگانهای قدرت در جمهوری اسلامی به سوی تغییر فرم و آرایش رهسپار شده اند. نهادهای سیاسی هر روز بیشتر از پیش، کارکرد و گنجایش خویش در جای دادن رهپافتهای متفاوت در خود و آمیخته نمودن آنها با یکدیگر در شکل سرفصلهای مشترک و واحد را از دست داده اند. "حالت فوق العاده" دیرگاهی است که بر سمت گیری سازوکارهای بوروکراتیک و ساختاری چیره شده و قهر به مثابه یک سازمان سیاسی برای گردش امور و نظم دادن به آن، نخستین مراحل تشکیل یابی در بالاترین منارج را پشت سر نهاده است. اکنون انباشت پایه ای قدرت نه از مجرای تقسیم و سازش، بلکه از طریق حذف و بازدارندگی صورت می پذیرد. و همساز با آن، ارگانهای قدرت، ویژگی دوگانه خود را به تدریج و گاه به شتاب از دست می دهند. این روند - که به گونه ای ناگزیر با تشنه های مبینی همراه می باشد - در برگزیده دو نتیجه متفاوت برای جناحهای اصلی خواهان قدرت در جمهوری اسلامی

ابزارهایی که تحت کنترل آنان قرار دارد به گردش درآمده، گرایش «دوم خرداد» با هر مانور آشتی چوپانه خود یا ستیزگرایانه رقیب، زمینهای بیشتری را زیر پای خود از دست می دهد. رهبران بخش تندروی آن و به عبارتی حلقه های مهم واسطه با نیروی اجتماعی اصلاح طلبان، در سلولهای انفرادی به اعتراف به شکست ناچار گردیده اند و برای شماری دیگر نیز همین سرنوشت تدارک دیده شده است. حزب دولتی "مشارکت" و پشتیبان اصلی آن "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی"، به گزینش بین تسلیم یا حذف فراخوانده شده اند و "پالایش" دولت و مجلس به صورتی فزاینده در اتکاشتهای جناح ولایت مکان خویش را پیدا می کند. اگر چه پایوران «دوم خرداد»ی همچون جنت الاسلام محتشمی، مایلند در این رابطه از "کودتا" سخن بگویند و خود و گرایشی که بیان وابسته اند را غافلگیر شده و ضرورتا بدون چاره وانمود سازند، اما با وجود این، شرایطی که آنها در برابر آن قرار گرفته اند، بیشتر برآمد مجموعه تدابیری به هم پیوسته است تا اقدامی ضربتی و ناگهانی که به بکاره وضعیت مایهتا دگرگونه راخلق کرده باشند. تصمیم سازان «دوم خرداد» کافی است به پس خود و راه پیموده شده تا نقطه کنونی نظر کنند تا فرایندی که اینک با نمودهای بلوغ یافته خود به سرگشتگیشان راه برده را بی هیچ شگفتی ببینند.

تبدیل ساز و کار دستگاه قضایی و ابزارهای کیفری آن به ارگان قهر جناحی علیه باند رقیب، در این میان از چنان ژرفا و گستره ای برخوردار گردیده است که درونمایه صرفا حقوقی تصمیمات آن و کارکرد مستقل نهاد قضاییه، حتی از سوی وابستگان باند ولایت نیز جدی گرفته نمی شود. زمانی که مناقشات خیابانی و روزنامه ای، ابتدا دلایل و ضرورت پیگرد قانونی را عرضه می نمایند و تنها آنگاه لشکری از قاضیان و بازپرسان به تبیین جرم می پردازند، فرآیند جایگزین شدن یک دستگاه اجرایی، برای جامه عمل پوشاندن به اراده های مشخص سیاسی، در جایگاه رکن پایه ای سیستم قطعیت یافته است. تأثیرپذیری نسبتا مطلق پروسه

های مورد بررسی توسط ارگانهای تبلیغاتی، در گام نخست به وسیله پشتیبانان اصلی دستگاه شاهرودی به سخره گرفته می شود. سناریوی ترتیب

منصور امان

بود، تعیین سازگاری قوانین پیشنهادی با معیار احکام مذهبی و نیز مواد تدوین شده در قانون اساسی، توسط یک ارگان غیر انتخابی در حقیقت مشروط گرداندن وضع آنها به تفسیر و برداشت برگمارکنندگان اعضای این نهاد و یا گرایش مشخص و مستقل خود آنان بود. شورای نگهبان هر دو این کیفیات را تامین می کند! از سوی دیگر مراجع مورد استناد فقها و حقوق دانان این ارگان - به سان دایره اختیارات و وظایف آن - مبهم و تعریف نشده، قادر به ارائه ی نتیجه مطلوب به هر سمت می باشد. هیچ بخشی از قانون اساسی جمهوری اسلامی، به چگونگی پروسه سازگاری قوانین پیشنهادی و خط چیره بر ارزیابی آنها نپرداخته است. بر این آشفتگی وجود انگاره های متفاوت از شرع به شمار قطب های حوزوی، افزوده می کند، امری که در انتها میدان مانور برای برخورد با دستورکار و ارزیابی دلخواه از آن را گسترش داده است. در یک شرایط متعادل سیاسی، کارکرد این نهاد نیز در انطباق با مجموع سیستم اداره کننده قرار گرفته و در حقیقت با به عهده گرفتن یک نقش صرفا نظارتی، به زیر مجموعه ارگانهای اصلی قدرت بدل می گردد. همزمان، ناشفاف ماندن محدوده ی حقوقی، وظایف و مکانیزم عمل، هر شکل خفیف یا شدت یافته ی ناهمگونی در اجزای گوناگون قدرت را به گونه بی واسطه ای به آن انتقال می دهد. جا گرفتن در صف بندیها و از این رهگذر به خدمت این یا آن جزء متشکل اختلاف درآمن، احتمال نیرومندی است که وضعیت کنونی شورای نگهبان آن را به خوبی اثبات می کند. مجلس ملامه، در پس درب این شورا، به انتظارکسب اجازه برای قانونگذاری دندان می فرساید و فقهای نهاد مزبور که اینک یک پست مهم در رهبری جدال با رقیب را به عهده گرفته اند، هیچ وظیفه ای جز بی اثر کردن یک رکن دیگر "نظام" را برای خود به رسمیت نمی شناسند.

شرایط یاد شده، به خودی خود نقش ارگان داوری دیگر یعنی مجمع تشخیص مصلحت را بدان گونه افزایش داد که باز تعریف حوزه ی اختیارات آن تنها مسأله ای مربوط به زمان می شد. مجمع مزبور همگام با بازگشت پرشمار مجلس و شورای نگهبان بدان و بازنویسی یا تغییر

داده شده پیرامون سخنرانی یکی از رهبران «دوم خرداد» در همدان، تنها یک نمونه ی منفرد نیست، اما به دلیل صراحت یافتن بی سابقه روشهای غیر قضایی و نشت انگیزه های پنهان سیاسی به سطح، به خوبی می تواند به بازشناسی دقیق تر مکانیزمهایی که قوه یاد شده تحت آنها کنش و واکنش می گیرد، راه ببرد. یک برافروختگی سازمان داده شده در بالاترین رده های سیاسی- مذهبی، قانونی وضع نشده را برای اجرا در اختیار ماموران در ردای قضاوت قرار داد، حتی پیش از آنکه داور استخدام شده، فرصت یابد که به تشریح زمینه ها و علل صدور حکم بپردازد، نوع کیفر متهم انتشار یافته و صادرکنندگان اصلی گامهای بعدی را به تدبیر تشسته بودند. به این ترتیب مضمون تأدیبی یا برائت دهنده احکام، به معیارهایی مشروط گردیده و با الزاماتی شکل می گیرد که پدیدآورنده ی آنها نه قانون و نه روایهای تثبیت شده ی ناشی از آن است. سازمان بوروکراتیک قضایی در این حالت، نقشی فراتر از دستگاه اداره کننده بی قانونی و منشور تمرکز دهنده به تمایلات اراده گرایانه باندها نخواهد یافت. این همان شرایطی است که یکی از ارکان سه گانه نظم مدنی در آن به سر می برد و خلاء ساختاری جمهوری اسلامی را به تصویر کشیده است.

تعیین ریل سازواره های تعریف شده در قانون اساسی "نظام" به سمت حل و فصل جدالهای درونی، تنها به قوه قضائیه محدود نمی شود. بسته به پیهنه مشخصی که نبردها در آن جریان می گیرد، فاکتورهای دخیل نیز باز تعریف شده، به ویژگیهای جدیدی تجهیز می گردند و کیفیات کهنه و ناسازگار را به کنار می نهند. آنچه که شورای نگهبان در ابتدای کشاکش دائمی با مجلس هدف خویش قرار داده بود، تنها پس از شدت یافتن نبرد به ایده فرازاندن مجمع تشخیص مصلحت نظام به یک ارگان پنهان قانونگذاری راه یافت. شورای منبور، بیشتر و در جریان شانه سازی قانونی و



## سازمان قهر، نیروی سیاسی اثباتت قدرت

بقیه از صفحه ۳

صورتی نامحسوس، مکان قانونگذاری را از مجلس به خود تفویض نموده بود. اگر چه پاپوران باند ولایت، خلق بد غیر رسمی از نهاد قانونگذار را به پدید آمدن وضعیت فوق العاده موکول نموده بودند، با این وجود در عمل این روند روال شده ی وضع قوانین جدید بود که خویشتن را به حالتی اضطراری و درنگ ناپذیر تحمیل کرد. اشاره آیت الله مشکینی به مجمع تشخیص مصلحت به عنوان رکن چهارم، فقط قطعیت یافتن جایگاه جدید نهاد یاد شده از دیدگاه کارگزاران جناح ولایت نبود. فرازبایی آقای رفسنجانی و دایره ی تحت فرمان او، هیچ مفهومی کمتر از فرود مجلس به سطح بی اهمیتی سیاسی نداشت. در عمل نیز با تدوین و تصویب هر قانون توسط مجمع، نهاد اصلی قانونگذاری یک گام به سوی سلب صلاحیت نهایی نزدیکتر می شد. از دل منازعات، یک کانون جدید قدرت که همچون قوه ی قضائیه و شورای نگهبان وظایفی خارج از دستور کار تعیین شده را در برابر خویش قرار داده بود، فرا روئید. در سمت دیگر جناح نیز رهیافتها به همین گونه به سمت به دست گرفتن ساختاری مشکل، بدون خروج از چهارچوب "نظام" یا آنچه که از آن باقی مانده، گرایش یافته است. انگاشتهای استعفای دسته جمعی از حاکمیت، حذف نظارت استصوابی، افزایش اختیارات رئیس جمهور و سرآخر برگزاری رفراندوم برسر موضوعات مورد اختلاف، تراویده از نگرش عمیق تر به چگونگی حل مسائل بی پایانی است که در برابر جناح «دوم خرداد» قرار گرفته است. اما گرایش به سوی روشهای کمتر تلافی و همزمان تلاش برای تغییر چهره صحنه نبرد به وسیله عمل و ابتکار مستقل، تنها بخش اندکی از «دوم خرداد» را به خود مشغول می دارد. در جبهه اصلاح طلبان اندیشه به تهدیدات قابل پیش بینی، همواره وزن سنگین تری از شناسهای احتمالی داشته است و از این رو جای شگفتی نیست که پیروان این خط مشی جز اقلیتی پرهیاهو و بی ثمر را تشکیل نداده اند. واقعیتی که راه باند ولایت برای شناسایی و بزرگ نمایی افراطیها را همواره ساخته است. در همان حالی که دست کم بخشی از کشمکشها پیرامون ادعاهای صرف و تصمیمات به روی کاغذ مانده، به گردش در می آید، «دوم خرداد» از بردن جنگ به

ناینداری و تزلزل گرایش مذکور تنها می تواند از تلاش آن برای وارد آمدن کمترین خسارت اجتماعی و سیاسی به "نظام" در عین به پیش بردن یک جنگ قدرت تمام عیار سرچشمه گرفته باشد. در این رابطه تاکتیک باند ولایت در منفرد کردن بخش تندرویی که زیرضریبات آن شکل گرفته، به درستی تقویت گرایش چیره در «دوم خرداد» را هدف گرفته است. پرهیزآکنده از ترس و احتیاط در استفاده از ابزارهای قدرت، تجدید سازمان آنها و تأمین پیش شرطهای سازواره ای نبرد در این پهنه، عملاً نمادهای پیروزی «دوم خرداد» مانند به دست گرفتن قوه های مجریه و مقننه را به اسناد ورشکستگی و بی تدبیری آن تبدیل کرده است. فلج سیاسی اصلاح طلبان جمهوری اسلامی اگر چه پیش از هر نقطه دیگر، در عدم توانایی از بهره گیری حداکثر از ابزارهای مادی و در دست نهفته است با این وجود سهم کوتاه نظری در به وجود آوردن یا میدان دادن به ارگانهای دیگر، همطرز با ارگانهای قدرت رسمی را نمی توان نادیده گرفت. «دوم خرداد» همچون باتلاقی راکن، هرآنچه که رقیب به سویش تیرتاب می کند را می بلعد و هیچ چیز بیشتر از هراس از جنبش مستقل آن را به تلاطم در نمی آورد. تدابیر قهرآمیز باند ولایت، با هر درجه از موفقیت در پس زدن رقیب، جمهوری اسلامی را به پایان خویش نزدیکتر ساخته است. آنچه که در نگاه مجرد به کشاکش درونی قدرت، مستقل و ارادی به نظر می رسد، در انتها چیزی جز واکنش پیشگیرانه و دفاعی در برابر شرایط انفجارآمیز اجتماعی نیست. جناح خامنه ای، توسط انباشتن حفره های قدرت، از خود در برابر جنبش راهی شده ی قشرهای گوناگون جامعه حفاظت می کند. عقربه سرکوب از مجرای «دوم خرداد» به سوی این جنبش متوجه گردیده است و از همین رو نیز تمام عقب نشینیهای باند خاتمی زیر پلانتروم "وفاق ملی" کمترین تعبیری در این جهت گیری پدید نمی آورد.

ابزارها و روشهای تجربه شده استبداد مذهبی- سیاسی، شاید تأثیرات فلج کننده خود بر جناح رقیب را داشته باشد، اما بی گمان حتی سهل انگارترین ماموتهای باند ولایت نیز در این میان دریاخته اند که نقاط تمایز فراوان و عمیقی "اصلاح طلبان خودی" را از توده ای که این نظم و آثار آن را بر نمی تابد "جدا می سازد". بالماسکه ای که خامنه ای، رفسنجانی، شاهرودی و همگنان در آن با جامه ی اقتدار و قهر شرکت جسته اند، ته مانده حیات سیاسی را فقط از دل رفرمیستهای پیش از این و محافظه کاران کنونی به بیرون جارو می کند. دانشمندان، کادگان، نویسندگان،

## پروژه شبیه سازی در ام القراء

منصور امان

تفسیر خبری هفته - جنگ صدا

سه شنبه ۲۴ دی

اکنون نیز وزارت ارشاد اسلامی به سختی در مکان نخست اعتراض کنندگان مکانی برای خود می جوید و "جبهه مشارکت اسلامی"، همچون گذشته خود را

به شراکت بین دو صندلی وام می دهد. "اصلاح طلبان" جمهوری مالاها، از برابر صفوف کفن پوشان، به درون آنها می گریزند تا امنیت قدرت لوزان دولتی را به لایه بنشینند. برای آنان، سالهای طولانی "تسامح و تساهل" و "جامعه مدنی"، هنوز از اعتبار یک کاریکاتور برای ذبح اسلامی آزادی مطبوعات نکاسته است.

با این وجود، تصمیم باند ولایت برای بسنده کردن به تعطیلی چند روزنامه و گرفتن تعهد نامه ی کتبی از "دوم خرداد" مبنی بر رعایت بی قید و شرط خطوط قرمز، ارتباط اندکی با ژست استمالت جویانه باند رقیب دارد. اگر خیل رمه حزب الله در ابراز احساسات سفارشی اندکی احتیاط به خرج می داد، شاید رهبران آنان کیسه ی "دوی خردادها" را بیش از آنچه که

تاکنون، رویداده بودند. تظاهرات ترتیب داده شده، هنگامی فراتر از هدف را نشانه گرفت که خاتمی و دولت وفاق پذیر آماج شعرهای آن قرار گرفته، هنگامی که پروژه "دادگاه نظرسنجان" و کنار زدن آنچه که "عناصر افراطی" خوانده می شد، در کف انجام بود، خاموش نگاه داشتن و بی طرف نمودن اکثریت "آرامش طلبان فعال"، اهمیتی بیش از یک تاکتیک می یافت. هر میزان شباهتی که عربده کشان اجاره ای بین هیوگز و خمینی می یافتند، برای پاپوران باند ولایت به آن درجه قیاس گرانه نبود که سیاست دراز کردن نوبتی "دوم خرداد" را به خاطر آن کنار بگذارد. مفید بودن آقای خاتمی و "عقلای دوم خرداد"، هنوز یک مولفه ی کاملاً قابل اتکا، در برخورد به این طیف در مجموع محسوب می شود. بر حقیقت مزبور، این نیز افزوده می گردد که آگاهی خاتمی و باران بر سودمندی خویش، پرداخت هیچ هزینه با باجی را برای رقیبانشان در پی ندارد. آنان همواره به جای امتیاز فقط قرچه گرفته اند و این بار نیز دستار، به گمنه دستار، مانند

## نمایندگان کارکنان صنعت نفت خواستار ایجاد اتحادیه‌های مستقل کارکنان صنعت نفت شدند

این نمایندگان در نامه‌ای که به خیرگزاری دانشجویان ایران ارسال شده است، خطاب به «برنارد چرنیگس» و «کارن کورتیس» کارشناسان سازمان بین‌المللی کار که به منظور بررسی جایگاه تشکلهای کارگری در ایران از طرف شاخه آزادی اتحادیه‌های سازمان بین‌المللی کار و اداره آزادی انجمنهای این سازمان به ایران سفر کرده بودند، آمده است: شما در تاریخ هفت سپتامبر تا سوم اکتبر ۲۰۰۲ از طرف سازمان بین‌المللی کار برای بررسی مسائل کارگری به ایران آمدید. در پایان سفر اطلاعیه‌ای از جانب شما در تشریفات داخل کشور و همچنین سایت خبری دانشجویان ایران «ایسنا» به چاپ رسیده است.

در این اطلاعیه شما ضمن تأکید اصولی بر نبود تشکلات مستقل کارگری در ایران گفته‌اید که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و رانندگان وسائل نقلیه سنگین دو نمونه خوب از تشکلات مستقل کارگری هستند. اما برآستی این انجمنها تشکلات مستقل کارگریند؟

طبق اسناد مستند، تشکیل دهنندگان انجمن صنفی روزنامه‌نگاران به طور عموم نه کارکنان مطبوعات، بلکه صاحبان مطبوعات هستند و در انجمن صنفی رانندگان وسائل نقلیه سنگین نیز صاحبان کامیونها در مقابل رانندگان از اکثریت مطلق برخوردارند. لازم به یادآوری است که یکی از روزنامه‌نگاران، محمدرضا عاشوری، مدیرمسئول نشریه اندیشه و جامعه که در جلسه این انجمن حضور داشته است، در مصاحبه خود این موضوع را بدروستی نشان داده است. (در این باره به مصاحبه ایشان با روزنامه کارگر در تاریخ ۲۸ شهریور ماه سال ۸۰ مراجعه شود) همچنین از پنج نفر هیات مدیره آن، سه نفر نماینده مجلس و چهار نفر عضو جبهه مشارکت هستند (ایسنا ۲۰۰۲/۱۱/۷)، بنابراین مشخص می‌شود که این دو تشکل ساخته احزاب سیاسی بوده و تشکل واقعی کارگری نیستند. از طرف دیگر بنا به گفته سعادت،

بین حسن صادقی، رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار به عنوان نماینده کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران ایران، یا نماینده کارفرمایان ایران و دولت، قراردادی را برای کارگران کارگاههای زیر ۱۰ نفر و کمتر به امضا رسانده‌اند و متأسفانه نماینده شما که در آن جلسه شرکت داشته، بر آن صحنه گذاشته است. در صورتی که صادقی به هیچ وجه صلاحیت شرکت در این جلسات به عنوان نماینده کارگران کارگاههای زیر ۱۰ نفر را ندارد، زیرا وی نماینده شوراهای اسلامی کار است و طبق ماده ۱۵ قانون تشکل شوراهای اسلامی کار مصوبه ۶۳/۱۰/۳۰ و ماده یک آیین‌نامه انتخابات قانون شوراهای اسلامی کار مصوبه ۱۳۶۴/۴/۳۰ هیات وزیران، در کارگاههای ۳۵ نفر و بیشتر می‌توان شوراهای اسلامی تشکیل داد. بنابراین شوراهای اسلامی کار نمی‌توانند اصولاً در کارگاههای ۱۰ نفر و کمتر تشکیل شوند و از این رو صادقی به عنوان نماینده شوراهای اسلامی کار حق امضای قرارداد برای کارگاههای ۱۰ نفر و کمتر را نداشته و نماینده این قبیل کارگاهها نیست. از طرف دیگر سعادت اظهار داشته است که اصولاً هنوز تشکلی به نام کانون عالی انجمنهای صنفی کارگران ایران وجود ندارد (گزارش ایسنا ۲۰۰۲/۱۱/۷) و این یک بار دیگر ثابت می‌کند که صادقی از طرف کارگران کارگاههای ۱۰ نفر و کمتر که ۹۶ درصد کارگران کارگاههای کوچک در این محیطهای کاری مشغول به کار هستند، هیچ‌گونه نمایندگی قانونی نداشته‌اند که چنین قراردادی را امضا کنند.

شما بخوبی می‌دانید که طبق تبصره ماده ۱۵ قانون شوراهای اسلامی کار ایجاد هر گونه تشکل در صنایعی بزرگ چون نفت، گاز، پتروشیمی، ذوب‌آهن، صنایع مس و صنایع سنگین منوط به اجازه شورای عالی کار است و تاکنون نیز این نهاد اجازه ایجاد تشکلی در این صنایع را نداده است. علاوه بر این کارگران صنایع زیر ۳۵ نفر هیچ‌گونه تشکلی ندارند و شوراهای اسلامی کار نیز که یک تشکل کاملاً دولتی و ایدئولوژیک است، پس از ۲۳ سال از هفت هزار کارگاه موجود تنها در دو هزار کارگاه افرادی را به عنوان نماینده کارگران منصوب کرده‌اند، بنابراین در غیاب تشکلهای مستقل کارگران ایران،

انتظار این است که شما بر چنین حرکاتی صحنه نگذارید تا در موقعیت پیش آمده، کارگران ایران بتوانند به دور از اتوریته افراد و احزاب موجود دولتی، تشکلات مستقل خود را سامان دهند.

امضاکندگانی این نامه که در سالهای اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ در یک موقعیت آزاد و دموکراتیک توسط کارکنان صنعت نفت به عنوان نماینده آنان انتخاب شده‌اند، خواستار توصیه مسائل زیر از طرف شما به مسئولان وزارت کار هستیم.

۱- با توجه به اینکه شما در مورد اصلاح قانون کار مشغول فرستادن توصیه‌نامه‌هایی به وزارت کار هستید، خواستار حذف تمامی مواردی از قانون کار هستیم که به نحوی مانع ایجاد تشکلات مستقل و غیرایدئولوژیک کارگران هستند، تا کارکنان صنعت نفت و صنایع بزرگ بتوانند تشکل مستقل خود را بر مبنای مقاله‌نامه‌ها و توصیه‌نامه‌های آن سازمان به وجود آورند.

۲- ما توجه به چگونگی تشکیل خانه کارگر که خود بر آن واقف هستید و اخیراً خانه کشاورز در ایران که در اولی نمایندگان دولت و احزاب سیاسی و در نوبی مالکان زمینهای ۱۰ هکتار به بالا به عنوان نماینده کارگران و کشاورزان جمع شده‌اند، از شما درخواست می‌کنیم تمام امکانات خویش را در این جهت به کار اندازید که یک مجمع عمومی آزاد برای ایجاد اتحادیه‌های مستقل کارکنان صنعت نفت با نظارت مستقیم نمایندگان سازمان بین‌المللی کار و اتحادیه‌های آزاد بین‌المللی برگزار شود، تا از دخالت نیروهای غیرکارگری در آنها ممانعت به عمل آید.

در پایان آمادگی خود را برای یک جلسه حضوری و توضیح مبسوط مسائل مطرح شده در این نامه اعلام می‌کنیم.

این نامه به امضای علی پیچگاه، نماینده شورای متحده پالایشگاه تهران در شورای کارکنان صنعت نفت، محمد صادقی خرم، دبیر سندیکا و نماینده شورای پالایشگاه شیراز در شورای صنعت نفت، عبدالرسول فقهزاده، نماینده شورای ابزار دقیق پالایشگاه تهران، کیومرث شهنی، دبیر سندیکای کارگران ابزار نفت ری، خطوط لوله و مخبرات صنعت نفت، پدالله خسروی، دبیر سندیکا و نماینده شورای پالایشگاه

## تغییر قانون کار

مهدی سامع

تفسیر سیاسی هفته از جنگ صدا  
سه شنبه ۲۴ دی ۱۳۸۱

قانون کار فعلی مدافع حقوق اساسی کارگران و مزدبگیران ایران، مثل حق اعتصاب و حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری نیست. این قانون پس از کشمکشهای مختلف و متعدد بین شورای نگهبان و مجلس ارتجاع در سال ۶۹ در مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسید. اما همین قانون ضد کارگری که مثل یک شیر بی بال و دم است بکبار دیگر به ضرر کارگران خراطی خواهد شد و کارگران کارگاههای زیر ۱۰ نفر از زیر شمول حمایتی ناچیز این قانون خارج می‌شوند. هدف از این تغییر این است که دست کارفرما برای اخراج کارگران باز باشد.

وزارت کار دولت خاتمی این با برای این تغییر به تفسیر ماده ۱۹۱ همین قانون کار پرداخته است. بر طبق ماده ۱۹۱ کارگاههای کوچک را می‌توان بر حسب مصلحت و به طور موقت از شمول قانون فعلی کار مستثنی کرد. روز یکشنبه ۲۲ دیماه محسن خواجه‌نوری معاون روابط کار وزارت کار و امور اجتماعی در یک نشست مطبوعاتی گفت: «کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر از شمول قانون کار خارج نشده‌اند، بلکه تحت آیین‌نامه خاصی که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید، ماده ۱۹۱ قانون کار در مورد این کارگاهها اجرا خواهد شد.» وی اظهار امیدواری کرد که: «آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۹۱ که به تصویب شورای عالی کار رسیده است، بدون تغییر ظرف ۱۵ روز آینده در هیات وزیران به تصویب برسد.» چهار سال پیش که مجلس ارتجاع هنوز «اصلاح طلب» نشده بود خروج کارگاههای کمتر از پنج نفر از شمول قانون با پیشنهاد کار اتاق بازرگانی در اسفندماه ۱۳۷۸ به تصویب مجلس پنجم رسید و در نتیجه بیش از ۴۰۰ هزار نفر از نیروی کار فعال کشور به بیکاری کشانده شدند. اکنون دولت «اصلاح طلب» بدون مراجعه به مجلس «اصلاح طلب» عملاً ۹۰ درصد کارگران از شمول قانون کار خارج می‌کنند. بدین ترتیب نظام «عدل اسلامی» ولایت فقیه مصاد ۳۲ و ۳۳ قانون کار نظام «طاغوتی» شاهنشاهی را به بهانه «بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری و اشتغال» احیا می‌کند. البته این اقدام در عمل هیچ تأثیری در بهبود وضعیت سرمایه‌گذاری و اشتغال نخواهد داشت، بلکه فقط تجار سوداگر و رانت خوران حکومتی از آن سود می‌برند.

خواستار اولیه و همگانی کارگران ایران حق اعتصاب، حق ایجاد تشکلهای مستقل کارگری و ایجاد یک نظام همه جانبه تأمین اجتماعی می‌باشد که هیچکدام از این خواسته‌ها در قانون کار جمهوری اسلامی منظور نشده است. از این رو کارگران ایران برای تحقق این خواسته‌های بر حق خود و نیز دمکراسی و ایجاد یک نظام غیر مذهبی که خواست همگانی مردم ایران است به

می‌افزود: یکی از مولفه‌های اصلی اعتصابات حرفه‌ای و قانونمند است، چرا وقتی نام اعتصابات می‌آید دولت فرار می‌کند، در حالی که ایجاد یک فضای اثرگذار به نام فرهنگ اعتصابات در واقع شکاف بین کارگر و کارفرما را به حداقل رسانده و توازن را برقرار می‌کند.

وی تصریح کرد: اصلاحات فقط خصوصی‌سازی و قوانین حمایت از سرمایه و چراغ سبز نشان دادن به سرمایه‌داران و پهن کردن فرش قرمز و برداشتن تمام موانع برای آنان و ایجاد مانع برای قشر عظیم کارگر نیست، وی با اشاره به وجود فضای بی‌تفاوتی و سرخوردگی در قشر کارگر گفت: سرخوردگی و رخوتی که امروز به جامعه کارگری دست داده نتیجه تصمیم‌گیری دیگران برای کارگران است.

### افشای دستهای پشت

آماده افشای دستهای پشت پرده‌ای هستیم که مانع شکل‌گیری اتحادیه‌های مستقل کارگری شده‌اند. روز جمعه ۲۰ دی ۱۳۸۱ همسایون منصوری، دبیر شورای ائتلاف انجمنهای مستقل کارگری در گفت‌وگو با خبرنگار اقتصاد کار خبرگزاری دانشجویان ایران، تأکید کرد: کسانی که هیچ نقشی در به وجود آمدن فضای آزاد کنونی نداشته‌اند، امروز با گرفتن ژست تشکلهای مستقل به دنبال سوءاستفاده تبلیغی از فضایی هستند که دیگران برای ایجاد کردن آن تلاش کرده‌اند. وی که عضو هیات مؤسس کانون عالی انجمنهای صنفی و دبیر کانون سراسری انجمنهای صنفی کارگری رانندگان حمل و نقل کالای جاده‌ای کشور نیز هست، با اشاره به نامه کسانی که خود را نماینده کارکنان صنعت نفت معرفی کرده‌اند و خواهان جلوگیری از دخالت نیروهای غیرکارگری در ایجاد اتحادیه‌های مستقل شده‌اند، عنوان کرد: تشکلهای زیادی وجود دارند که در کنار کار سیاسی، از شکل‌گیری اتحادیه‌های مستقل کارگری جلوگیری می‌کنند و اگر کسانی که خود را نماینده کارکنان صنعت نفت می‌دانند، واقعا به دنبال تشکیل اتحادیه‌های مستقل هستند، باید به آنها اعتراض کنند.

جمعی از کارگران بخش ریسندگی روز سه‌شنبه حدود دو ساعت دست از کار کشیدند.

### راهپیمایی کارگران شرکت لوله‌سازی اهواز

۱۰ دی - کارگران شرکت لوله‌سازی اهواز در ادامه اعتراضات چندماهه خود نسبت به پرداخت نشدن حقوقشان، اقدام به راهپیمایی نمودند. خبرگزاری ایسنا در مورد این راهپیمایی نوشت: «با شروع راهپیمایی کارگران لوله سازی اهواز، بلافاصله مأموران نیروی انتظامی در محل حاضر و با سه دستگاه اتوبوس افسانم به جمع‌آوری تمامی راهپیمایی‌کنندگان کردند. شرکت لوله سازی اهواز از سال ۷۶ تاکنون با مشکلات زیادی روبه‌رو بوده و امسال نیز برای چندمین بار است که کارگران این شرکت دست به اعتراضات جمعی زده است.

### اعتصاب کارگران قند میان‌دواب

۱۱ دی - کارگران کارخانه قند میان‌دواب در اعتراض به طرح طبقه‌بندی مشاغل اعمال شده در این کارخانه نسبت به اعتصاب زدند. بنا به گزارش ایشنا این اعتصاب دو روز ادامه داشته است. و تیروهایی یگان ویژه در برخی مسیرهای منتهی به کارخانه مستقر هستند.

### سراهنه هزینه‌های سلامت در

### ایران به نرخ دلار ۸۰۰ تومان ۷۵ دلار برای هر نفر است.

به گزارش خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران، روز دوشنبه ۱۶ دی ۱۳۸۱ دکتر محمدجعفر قائم‌پناه معاون توسعه، مدیریت منابع و امور مجلس و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با بیان این مطلب گفت: این شاخص در کشورهای نفت خیز ۳۵۶ دلار، آمریکای لاتین ۳۲۰ دلار و کشورهای پیشرفته ۲۲۵۹ دلار است.

### حق اعتصاب

ندادن حق اعتصاب به کارگران با گفتار اصلاح‌طلبی هماهنگ نیست و یکی از مولفه‌های اصلاحات اعتصابات چرخه‌های قانونمند است. روز جمعه ۲۰ دی ۱۳۸۱ حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور، در مصاحبه با

### اخبار اعتراض کارگران و مزدبگیران

کشور و نمایندگان اهواز در مجلس به مشکل خود می‌باشند. این کارکنان می‌گویند اگر یکی از مسئولان استان ۹ ماه حقوق نگیرد، چه برخوردی می‌کند. شرکت لوله سازی خوزستان از طرف بانک صنعت و معدن خریداری و تعطیل شده است. براه تعطیلی این شرکت بیش از ۷۰۰ نفر از کارکنان آن بیکار شده‌اند.

### اجتماع کارگران درخشان یزد

۵ دی - روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز ۵ دی نوشت: بیش از صد نفر از کارگران کارخانجات درخشان یزد با اجتماع در نزدیکی محل کارخانه به علت عدم پرداخت حقوق ۶ ماه گذشته دست به اعتراض زدند.

روزنامه جمهوری اسلامی در مورد این خبر نوشت: «بنا به گفته این کارگران، هیات مدیره پرداخت حقوق معوقه امروز و فردا می‌کند و کارگران را در جهت تسلین مخارج روزانه زندگی دچار مشکل کرده است.»

### اعتراض کارگران نساجی

#### شهرستان خوی

۷ دی - جمعی از کارگران بخش بافندگی کارخانجات نساجی شهرستان خوی در اعتراض به تحقق نیافتن خواسته‌های خود روز دوشنبه هفته گذشته دست از کار کشیدند.

به گزارش ایسنا، یکی از کارگران در مورد علل اعتراض گفت: هم‌زمان با تغییر در مدیریت کارخانه و ورود مدیریت جدید شایعه تعدیل حدود ۱۷۰ نفر از کارگران صنایع نساجی بر سر زبانها افتاد و همچنین عنوان شد که کارخانه نساجی خوی به شرکت آتیة دماوند واگذار شده است. طبق مصوبه هیات مدیره همه قراردادهای کاری کارگران از یک سال به شش ماه تقلیل خواهد یافت. از طرف دیگر پرداخت نشدن پاداش به کارگران از سال ۸۰ تاکنون موجب شد کارگران بخش بافندگی در عصر روز دوشنبه دست از کار کشیده و خواسته‌های خود را بیان کنند. خواسته‌های کارگران عبارت است از: تنظیم یک ساله همه قراردادهای همچون سابق؛ پرداخت پاداش بهره‌وری کارگران؛ پرداخت به موقع حقوق ماهانه کارگران.

با حضور نمایندگان اداره کار استان و فرمانداری خوی و مذاکره با کارگران مقرر

### اعتراض کارگران شرکت

#### سامیکوه صنعت همدان

۴ دی - گروهی از کارگران کارخانه سامیکوه صنعت تولید کنند لوازم خانگی و قطعات خودرو با ۳۷۵ کارگر در جاده همدان به کرمانشاه مدت پنج‌ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند.

یکی از کارگران این شرکت، در گفتگو با خبرنگار ایرنا گفت: حقوق ماههای اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد و شهریور را دریافت نکرده‌ایم. یکی دیگر از کارگران از به وجود آمدن مشکلاتی برای کارگران در فصل سرما به دلیل دریافت نکردن حقوق خبر داد. وی اضافه کرد: هر وقت کارگران نسبت به دریافت حقوق اعتراض می‌کنند، مدیرعامل کارخانه ما را تهدید به اخراج می‌کند.

### تجمع اعتراض امیز کارگران چینی

#### گیلان

۴ دی - تجمع اعتراض امیز کارگران یکی از کارخانه‌های استان با دخالت نیروی انتظامی خاتمه یافت.

روزنامه گیلان امروز در مورد این اعتراض نوشت: از صبح دپروز حدود دویست نفر از کارگران کارخانه چینی‌سازی گیلان اقدام به برپایی تجمعی اعتراض امیز کردند. دخالت نیروی پلیس زمانی انجام شد که صحتیهای رئیس سازمان صنایع و معادن استان در جمع کارگران که خواستار بررسی و حل مشکل از طریق نماینده کارگران بود موثر واقع نشد.

کارگران، مسیر خیابان جلوی استانداری را مسدود نموده و به عنوان اعتراض به داخل استانداری وارد شدند. نیروهای پلیس و انتظامی با کراگران معترض درگیر و آنها را سرکوب کرد.

### اعتراض کارگران شرکت لوله

#### سازی خوزستان

۱۴ دی - حدود ۲۰۰ نفر از کارکنان شرکت لوله سازی خوزستان به دلیل پرداخت نشدن حقوق خود از مدت ۹ ماه پیش تاکنون، درحال اعتراض هستند. روزنامه جمهوری اسلامی در روز ۱۱ دی نوشت: افراد که تاکنون، تخمعات



بسیار بیشتر می باشد. گفته می شود شاید فقط سه درصد زنان افغان باسواد باشند، در اینجا وقتی از باسواد بودن صحبت می شود، منظور امکان رفتن به مدرسه و چند کلاس درس خواندن است و نه چیزی دیگر.

## زنان و مسیر رهایی

لیلا جدیدی

## ادعای لغو حکم سنگسار ولوله در تفکر ارتجاعی فقها

زینت میرهائمی

فعلی به دلیل بازتابهای منفی و زینبار آن موقتا تعطیل می شود اما این تعطیلی قطعا موقت خواهد بود»  
آیتالله مصطفی نورانی، عضو خبرگان رهبری به همین گونه اظهار می دارد: «اجرای حکم رجم باید علنی باشد اسلام با اجرای احکامش وجهه می یابد.»

در یک واکنش دیگر، آیتالله رحیم محمدی ایلامی، عضو مجلس خبرگان رهبری تأکید می کند: «ما برای حکم رجم مجازات جایگزین نداریم... اجرا نشدن برخی احکام در برخی مواقع به معنی تعطیلی اصل حکم نیست... زمان، در صدور احکام موثر است، زیرا برخی اوقات در برخی زمانها موقعیت برای اجرای حکم مناسب نیست و یکی این وضعیت مقطعی است.»

زهرا شجاعی مشاور خاتمی در امور زنان، در تیر ماه گذشته در پاسخ به اعتراض وزیر کار بلژیک نسبت به مجازات سنگسار، از این مجازات وحشیانه دفاع کرد و گفت: «حکم سنگسار در اسلام با هدف حفظ حریم خانواده وضع شده است.» (رسالت ۱۵ تیر ۸۱)

با گذری به دیدگاههای واپسگرایانه متعلق به قرون و اعصار گذشته، می توان به بی پایه بودن لغو این گونه احکام بنا به مصلحتهای روابط تجاری و اقتصادی با اتحادیه اروپا، پی برد.

حکم سنگسار نمودی از اجرای مجازاتهای وحشیانه دوران بربریت است که در رژیم جمهوری اسلامی اجرا می شود، در آوردن چشم، قطع انگشتان دست، قصاص، شلاق، اعدام و ... از مصادیق شکنجه و مجازاتهای ضد بشری و قرون وسطایی است و باید از قوانین حذف شود. تا زمانی که این گونه مجازاتهای وحشیانه در قانون وجود داشته باشد، بنا به تعادل نیرو و کاهش فشار از گرده این چنانکاران، این احکام دوباره اجرا خواهند شد. ساختار ارتجاعی و قرون وسطایی رژیم با اتکاء به قوانین شرع همواره بستری برای اجرای این گونه مجازاتهای وحشیانه است.

در پی فشار هیات اتحادیه اروپا برای لغو مجازات سنگسار در ایران، قربانعلی دری نجف آبادی، اعلام کرد که موقتا اجرای مجازات سنگسار به عنوان اشد مجازات متوقف خواهد شد.

البته تا کنون هیچ سند رسمی دال بر صحت این گفته در هیچیک از رسانه های رژیم انتشار نیافته است. عقب نشینی رژیم حتی به طور موقت در اعمال این مجازات، نتیجه فعالیت های افشاگرانه زنان مترقی، نهادهای حقوق بشری و بین المللی است. اما این گونه عقب نشینها بدون وجود تضمینهای لازم، تنها می تواند یک مانور فریکارانه در لحظه ها و فرصتها باشد. همان طور که در ابتدای به قدرت رسیدن رژیم به دستور خمینی، مجازات سنگسار متوقف شد و سپس هم دوباره به اجرای آن دستور داد.

در حالی که پایگاه حمایتی و اجرایی مجازات وحشیانه سنگسار، در قانون اساسی و جزایی رژیم همچنان محفوظ است، بیان لرزان لغو این حکم، افکار ارتجاعی فقهای حوزه نشین را به لرزه در آورده است. همه این دایناسورهای قرن، بر موقتی بودن لغو حکم مزبور تأکید می کنند.

محمد ابراهیم نگو نام، معاون قضایی دادستان کل کشور در گفتگویی با هفته نامه حریم (هفته گذشته) در رابطه با اجرای حدود الهی و سنگسار تصریح می کند که: «حکومت هر قدر در اجرای حدود الهی تعلل بکند باید به همان اندازه منتظر غضب الهی و هلاکت خود باشد» این مزدور با افتخار از جنایت های پاد می کند و می افزاید: «بنده به صراحت می گویم از هیچ کدام از کارها و احکامی که مانند رجم (سنگسار) یا قطع دست اجرا کردیم پشیمان نیستیم.»

محسن غرویان مدرس حوزه

## رابطه قانون دولتی و خصوصی

۱۸ دسامبر، آسوشیتد پرس - یک زن پاکستانی به دلیل رابطه با مردی غیر از همسرش، توسط رئیس شورای روستای محل سکونت خود، مورد خشونت جسمی قرار گرفته و موهای او تراشیده شد. این زن همچنین به موافقت با ازدواج پسر ۴ ساله اش با دختر ۳ ساله آن مرد وادار گردید. دو مرد پاکستانی و زن مذکور توسط پلیس دستگیر شدند.

در پاکستان رابطه خارج از ازدواج، قانونا برای زنان مجازات سنگسار را در بر داد، اما تا کنون چنین حکمی اجرا نشده است.

## فرار از روسری

۱۹ دسامبر، رویتر، اخبار شگفت انگیز - یک آرایشگر و دستیارش در ایران به دلیل کوتاه کردن موی دختران به طرزی که بتوانند در شکل و لباس مردان و بدون داشتن روسری ظاهر شوند، توسط پلیس دستگیر شدند. این دو تن نیز زن بوده و در لباس و آرایش موی مردانه ظاهر می شدند.

## جین فوندا در فلسطین

۲۱ دسامبر، آسوشیتد پرس - جین فوندا، هنرپیشه سرشناس هالیوود و فعال سیاسی، در یک سفر ۳ روزه به مناطق فلسطینی از مرکز بزشکی رویا در کرانه غربی دیدن کرد. او در میان خاک و گل، از سرز نگهبانی اسرائیلی ها گذشت و ۶۵ ساله شدن خود را با دریافت گل سرخ از یک زن فلسطینی جشن گرفت. جین فوندا همچنین روز ۱۹ دسامبر، با زنان فلسطینی و اسرائیلی که برای صلح فعالیت می کنند در اسرائیل ملاقات کرد. این سفر از طرف جنبش جهانی علیه خشونت نسبت به زنان ترتیب داده شده بود.

## اینترنت برای زنان افغانی

۲۸ دسامبر، ۷ دی - نشریه زن فردا مراسم افتتاح یک پایگاه اینترنتی دانشگاه که هزینه های آن توسط UNDP پرداخت شده است، در حال اجرا شدن است. دانشجویان دختر و پسر، مدعوین، مسئولان دانشگاه و نمایندگان سازمان ملل، در اتاقی رنگ و رو رفته، روی نیمکت هایی کهنه نشسته اند و عکاسان و خبرنگاران با اشتیاق از این مراسم فیلم برداری می کنند و گزارش می نویسند. اما با ظاهر اما است زمان در حقیقت ۹۰ درصد

## بچه یعنی پسر!

۲۸ دسامبر، ۷ دی - نشریه زن فردا - در افغانستان امروز اگر از هر مردی - حتی تحصیل کرده ترین آنها - بپرسید که چند بچه دارید، او بچه را مترادف با پسر می داند و به تعداد پسرهایش اشاره می کند. برای دانستن تعداد دخترها باید به طور مشخص بپرسید که چند دختر داری تا او پس از کسر تعداد بچه ها (پسرها)، دخترها را نیز برشمارد. چند همسری در میان مردان افغانستان به وفور رایج است و این را حتی می توان در میان بعضی از رهبران کنونی آنها نیز جستجو کرد. روی هم رفته جامعه افغانستان یک جامعه کاملاً سنتی، روستایی و به شدت مردسالار است. همین موضوع موجب شده مردان افغانی، دید بسیار تنگ و محدودی نسبت به زنان جامعه خود داشته باشند.

## جایزه شجاعت

۲۹ دسامبر، آسوشیتد پرس - طی مراسمی از سوی جامعه حقوق بشر در پاکستان، به خانم مختارمی که سال گذشته مورد تجاوت ۱۳ مرد از اعضای یک قبیله قرار گرفته بود، تقدیرنامه ای اعطاء شد. خانم ظفر، یک وکیل دادگستری، که از رهبران این گروه است گفت: " این زن آن شجاعت را داشته است که از مردان بانفوذی در یک منطقه کوچک شکایت کند و آنان را مورد مجازات قرار دهد." این ماجرا که توجه جامعه بین المللی را به خود جلب کرد، به صدور حکم اعدام برای ۶ تن از مردان متجاوز انجامید.

## از میان مشکلات زنان زاپتی

۲۷ ژانویه، feminist.com - بنا به قوانین کشور ژاپن، زن و مرد پس از ازدواج می بایست از یک نام فامیل مشترک استفاده کنند. هم اکنون بسیاری از فمینیست های این کشور، برای تغییر این قانون در حال تلاش هستند. حزب لیبرال - دمکرات ژاپن که از مردان قدرتمندی تشکیل شده است، از مخالفان سرسخت تغییر این قانون است. آنان معتقدند که نام فامیل مشترک، موجب ایجاد نزدیکی و همبستگی بیشتر بین زن مرد می گردد و در عوض نام فامیل متفاوت، سبب گسست خانواده ها می شود.

## نمونه ای از حقوق اعطایی به زنان در ایران

۱۰ ژانویه، ۲۰ دی - بی بی سی - یک باشگاه ورزشی در ایران پس از سالها برای

## ستاره هایی برای صلح

لیلا جدیدی

ستارگان سینمای هالیوود که پیش از این تنها با نام و تصویر خود صفحات بسیاری از روزنامه ها و مجلات آمریکائی را پر می کردند، اکنون توسط یک جبهه گیری سیاسی، در برابر انظار عمومی قرار گرفته اند. شمار قابل توجهی از آنان، طی ماههای اخیر، با استفاده از شهرت و محبوبیت خود گامهای شایان توجهی علیه سیاستهای جنگ طلبانه دولت بوش بر داشته اند. در هنگامی که رسانه های خبری در آمریکا، از هیچ تلاشی برای پنهان نمودن حقایق پشت پرده فروگذار نمی کنند، این هنرمندان متعهد و انسان دوست، به واقع نقش موثری در آشکار گرداندن بسیاری از واقعیتهای مسکوت نگاه داشته شده به عهده گرفته اند.

هستیم". این تظاهرات با موسیقی هنرمندان سرشناسی نظیر جکسون بران و گروه پر طرفدار "Guns N' Roses" ادامه یافت. این بزرگترین تظاهرات ضد جنگ در لوس آنجلس پس از جنگ ویتنام محسوب می شد و توسط ANSWER سازمان داده شده بود. طی ماه گذشته همچنین چهره های سرشناس هنری دیگری چون کیم بیسینجر، مات دیمن و انجلیکا دوستن نیز با پیامهای ضد جنگ خود اخبار ساز بودند.

یکی از چشمگیرترین فعالیتهایی که از جانب هنرمندان ضد جنگ صورت گرفت، سفر شان پن (Sean Penn) در روز ۱۵ دسامبر به بغداد بود او در هنگام ورودش به این کشور گفت به دنبال درک عمیقتری از این اختلاف ترسناک آمده است. شان پن تأکید کرد که امیدوار است مردم آمریکا، خارج از کاتالهای معمولی به دنبال کسب حقایق باشند و ادامه داد: "می خواهم ندای وجدان خود را



در این باره باز بایم". آقای پن از بیمارستان کودکان دیدن کرده و شاهد نتایج اسف بار تحریم اقتصادی آمریکا علیه عراق گشت. او سپس در خیابانها بدون گارد قدم زد و سر آخر با طارق عزیز و وزیر بهداشتی عراقی ملاقات کرد. هنر پیشه محبوب و پر قدرت آمریکائی، پس از بازگشت در یک مصاحبه مطبوعاتی خطاب به مردم آمریکا گفت اگر این جنگ صورت بگیرد "خون آمریکائیهها و عراقیهها روی دستان ما خواهد بود".

روز ۱۰ دسامبر، در پایان یک مصاحبه مطبوعاتی، گروهی از هنرمندان و فیلم سازان بیانیه ای با عنوان "اتحاد هنرمندان برای پیروزی بدون جنگ" خطاب به بوش و در مخالفت با جنگ امضاء کردند. د. م. امضاء کنندگان:

روز ۱۳ ژانویه، مارتین شین، هنرپیشه معروفی که هم اکنون نقش یک رئیس جمهور را در سری فیلمهای تلویزیونی The West Wing بازی می کند، سخنران اصلی تظاهرات ضد جنگی بود که در شهر لوس آنجلس و با شرکت هزاران نفر صورت گرفت. او در ضمن سخنرانی پر شور خود و در حالیکه صدای چرخدار یک سرباز جنگ ویتنام (سربازی که فیلم معروف متولد ۴ ژوئیه از زندگی او ساخته شده است) را در کنار خویش داشت گفت: "مردم بسیاری تا کنون ساکت مانده اند، اما دیگرایان سکوت فرا رسیده است." آقای شین در ادامه سخنانش گفت: "ما به همانند

## زنان و مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۷

داد که بازی فوتبال مردان را تماشا کنند. مدیرباشگاه پیکان وابسته به شرکت ایران خودرو گفت تصمیم مزبور به این دلیل گرفته شد که طرفداران این باشگاه از عبارات "ناپسند" استفاده نمی کنند. از هنگام به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، زنان از حضور در مسابقات فوتبال منع شده اند. یک دختر ۱۷ ساله که به استادبوم رفته بود گفت: مردان طوری به ما نگاه می کردند که گویی از یک سیاره دیگر آمده بودیم.

## آمار محرمانه رژیم پیرامون وضعیت زنان

بولتن داخلی دفتر امور بانوان وزارت کشور، شماره ۳ - زنان ایران  
آمار زندانیان زن به تفکیک زندان، در سه ماهه اول سال ۸۱، در شهرهای اراک، خمین، ساوه و محلات ۱۱۵ نفر بوده است. بیشتر زندانیان زن بین ۲۱ تا ۳۰ سال سن داشته اند. جرائم زنان در سه ماهه دوم همین سال، نسبت به سه ماهه اول، ۸/۷ درصد کاهش داشته است. آمار نشان می دهد که شمار مجرمان متاهل در سه ماهه دوم نسبت به سه ماهه اول سال، ۷۲/۱۷ درصد رشد داشته است.

بالاترین میزان رشد تعداد زنان زندانی، مربوط به محصلان ۶۷/۴ درصد و دانشجویان با ۹۴/۲ درصد بوده است و بالاترین کاهش نیز مربوط به زنان خانه دار با ۵۹/۱ درصد بوده است.

آمار نشان می دهد که بیش از ۴۷ درصد جرائم زنان مربوط به اعمال ضد «عفت و اخلاق» عمومی و پس از آن مواد مخدر با ۱۵ درصد بوده است.

لازم به تذکر است زن، رابطه نامشروع خارج از ازدواج، بدحجابی و بی حجابی و ... از جمله جرائم «منافی عفت» هستند. بیش از ۸۰ درصد زنان سابقه کیفری نداشته و حدود ۸ درصد آنها یک بار سابقه کیفری داشته اند.

در همین بولتن آمده است، خودکشی زنان استان مرکزی در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹، به تعداد ۷۳ نفر و معادل ۶/۲۸ درصد رشد داشته است. این میزان رشد در شهرستان اراک برابر با ۵/۹۵ درصد، آشتیان ۳۰۰ درصد، تفرش ۲۰۰ درصد و خمین ۸۰۰ درصد بوده است و در سایر شهرستانها کاهش داشته است.

دیمن، جسیکا لنس، و ساموئل جکسون دیده می شد و از میزان موزیسینها نیز R.E.M، مایکل استرایپو مایک میلز ... در این فهرست قرار داشتند. همچنین وارن بیتنی و همسرش، هنرپیشه معروف، انت بنین نیز در در صف فعالان ضد جنگ قرار داشتند.

در ماه اکتبر سال گذشته نیز خواننده و هنرپیشه سرشناس و مورد احترام مردم آمریکا، خانم باربار استرایسند در زمره این طلیف قرار گرفته بود. او به اتفاق صدها هنرپیشه و هنرمند دیگر، بیانیه ای را با تیتیر "به اسم ما نه!" امضاء کرد. در این بیانیه آمده است "ما از مردم آمریکا می خواهیم که با سیاست هایی که پس از ۱۱ سپتامبر دولت بوش پیش گرفته و خطر آن متوجه همه مردم جهان است، مبارزه کنند" در میان امضاء کنندگان بیانیه مذکور، ایسور استون کارگردان فیلمهای متعدد ضد جنگ (Platoon و Born on Forth of July)، آلبرت التمن فیلمساز معروف (Ford Park Gos)، جین فوندا هنرپیشه، دتی مکسو هنرپیشه Lethal Weapon سوزان ساراندن هنرپیشه و فعال حقوق بشر Dead Man Walking تیم رابین هنرپیشه و کارگردان نیز قدرت، دیده می شدند.

بدین طریق بار دیگر گروهی از هنرمندان، نقش خود را فرا تر از تنها یک ستاره در آسمان دنیای مجازی هالیوود تعریف کردند. اینان روی زمین خاکی، با به کارگیری نفوذ و محبوبیت خود در میان مردم، رسانه های خبری را وادار کردند پیام صلح را منتشر کنند.

اگر چه در این میان اکثر رسانه ها که ضمناً وابسته به مدافعان جنگ نیز هستند از بخش گسترده فعالیتهای آنان خودداری کردند، اما این تلاشهای انسان گرا بانه در میان مردم راه خویش را گشود و بازتاب یافت. بی شک جبهه گیری ضد جنگ هنرمندانی که از محبوبیت و شناسایی قابل توجهی در طبقات گوناگون جامعه ی آمریکا برخوردارند، در شکل گیری افکار عمومی علیه سیاستهای جنگ افروزان دولت بوش، جایگاه موثری خواهد داشت. آنان به "ندای وجدان" خود با اعلام تمهد به صلح پاسخ داده و به این وسیله چهره اجتماعی هنر را به واسطه و ستاره



## سایه روشن‌های بودجه سال ۸۲

م - حبیبی

از نظر منطقی درآمدهای مالیاتی در سه حالت ممکن است افزایش یابد، یا باید پایه‌های مالیاتی افزایش یابد، یعنی تولید ناخالص داخلی و یا واردات رشد بیشتری داشته باشد، که لایحه بودجه سال ۸۱ نشان می‌دهد چنین رشدی در سال ۸۲ نسبت به سال ۸۱ وجود ندارد. یا باید ضرایب مالیاتی تغییر کند، در حالی که قانون مالیات‌های مستقیم که در سال ۸۲ اجرا می‌شود، همان قانون سال ۸۱ است، و با این که در روش‌ها و ابزارها و امکانات وصول مالیات تغییرات چشمگیری حاصل شده، به عنوان مثال نهادهای جدیدی برای وصول مالیات ایجاد شده، میزان یوستل افزایش یابد و در مجموع شیوه‌های وصول مالیات نسبت به سال قبل تحول چشمگیری پیدا کند در حالیکه هیچ یک از این تغییرات قرار نیست در سال ۸۲ اتفاق افتد.»

استفاده از تسهیلات خارجی در لایحه بودجه سال ۸۲ بالغ بر ۱۷۳۳۷ میلیارد ریال است که نسبتاً به قانون بودجه سال ۸۱، حدود ۳۳ درصد افزایش نشان می‌دهد. گذشته از این، مطابق بند ل تبصره ۲۱ قانون بودجه ۸۲، استقرار از نوع فاینانس در سال آینده به ۶/۸ میلیارد دلار افزایش می‌یابد. استقرار از نوع بیع متقابل و طرح‌های BOT بالغ بر ۸۲ در خصوص استقرار از منابع خارجی شش میلیارد دلار و استقرار جهت تکمیل طرح‌های نیمه تمام دو میلیارد دلار پیش بینی شده است.

بودجه شرکت‌های دولتی که ۶۴ درصد بودجه کل کشور را می‌دهد، یکی از بحث انگیزترین سوزدهای بودجه سال ۸۲ است. شرکت‌های دولتی از نظر بازدهی سرمایه‌گذاری‌های انجام شده همواره مورد سؤال قرار گرفته بودند. آن

بودجه ۸۵۹ هزار و ۷۴۳ میلیارد ریالی سال ۱۳۸۲، چهارشنبه ۲۷ آذر ماه توسط خاتمی به مجلس برده شد. آن گونه که در متن لایحه بودجه عنوان شده، بودجه سال ۸۲ نسبت به سال ماقبل آن، ۲۱ درصد رشد داشته است. بودجه عمومی دولت، معادل ۲۸۵ هزار و ۱۶۰ میلیارد ریال از اعتبارات کل کشور عنوان شده که نسبت به سال ۸۱ حدود ۱۱ درصد رشد نشان می‌دهد.

بودجه شرکت‌های دولتی، موسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانک‌ها، با ۱۸ درصد افزایش نسبت به رقم مصوب سال ۸۱، معادل ۵۵۱ هزار و ۳۷۱ میلیارد ریال برآورد شده است که از مبلغ مزبور، ۴۹۲ هزار و ۳۶۹ میلیارد ریال مربوط به شرکت‌های دولتی، هفت هزار و ۷۵۱ میلیارد ریال مربوط به بودجه موسسات انتفاعی وابسته به دولت و ۵۱ هزار و ۳۵۰ میلیارد ریال مربوط به بانک‌ها است.

بودجه سال ۸۲ در حالی که مجلس برده می‌شود که اکثر کارشناسان اقتصادی، بودجه سال آینده را در کانون بحث‌های اقتصادی خود قرار داده‌اند. این انتقادها در چهار محور کسر بودجه، استقرار، درآمدهای مالیاتی و بودجه شرکت‌های دولتی خلاصه می‌شود.

مسئله کسری بودجه بطور سنتی همواره در نیمه دوم سال نمایان می‌شود امری که در سال ۸۱ به دلیل عدم تامین درآمدهای مالیاتی در اوایل سال ۸۱ نمایان شد، و انگونه که در لایحه بودجه سال ۸۲ در خصوص استقرار از منابع خارجی عنوان شده، دولت در سال ۸۲ نیز با کسری بودجه مواجه خواهد شد. به این ترتیب کسر بودجه در سال ۸۲ از قبل قابل پیش بینی است.

در بودجه سال ۸۲، اعتبارات حاصل از درآمدهای مالیاتی، معادل ۷۰ هزار و پانصد میلیارد ریال مجاسبه شده است که نسبت به مصوبه بودجه سال ۸۱، ۳۶ درصد رشد را نشان می‌دهد. عملکرد درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۸۰، بالغ بر ۳۸ میلیارد ریال بود، همین عملکرد برای درآمدهای مالیاتی در سال ۱۳۸۱، از بودجه مصوب، بالغ بر ۶۲ هزار و چهارصد میلیارد ریال به ۵۱ هزار میلیارد ریال گردید. با یک چنین عملکرد منفی هیچ مشخص نیست که چگونه درآمدهای مالیاتی سال ۸۲ با ۳۶ درصد رشد مواجه شده است. در همین رابطه سازمان امور مالیاتی معتقد است که سال آینده در

شرکت ذکر شده است، که آمار واقعی این شرکت‌ها به مراتب بیشتر از رقم ذکر شده در لایحه بودجه سال ۸۲ است. از این تعداد شرکت، ۱۲۱ شرکت جزو شرکت‌های زیانده و ۳۳۶ شرکت، جزو شرکت‌های سود ده طبقه بندی شده‌اند. همین طبقه بندی در قانون سال ۸۱، در خصوص شرکت‌های زیان ده رقم ۱۰۵ شرکت را شامل می‌شد، که نشان دهنده افزایش تعداد شرکت‌های زیان ده در سال ۸۲ می باشد. البته باید در تعداد شرکت‌های سود ده نیز با تردید نگاه کرد چرا که ارقام ذکر شده واقعیت‌های مالی این شرکت‌ها را منعکس نمی‌کند. در همین ارتباط یکی از کارشناسان اقتصادی رژیم، نحوه عملکرد شرکت‌هایی که از آن به عنوان شرکت‌های سوده یاد می‌شود را طی گزارشی چنین بررسی می‌کند: «در لایحه بودجه ۸۲ لیستی از شرکت‌های سود ده آورده شده که شرکت‌های پشتیبانی امور دام کشور و شرکت سهامی غله کشور و شرکت سهامی فرش ایران از آن جمله‌اند. تقیب ارقام مربوط به این شرکت‌ها نشان می‌دهد که شرکت پشتیبانی امور دام در بخش درآمدها، رقمی معادل ۵۳۳۳

هزینه‌های غیر تولیدی و ۱۶۰ هزار میلیون ریال و ۲۲ هزار میلیون ریال استهلاک در بودجه سال ۸۲ خود پیش بینی کرده است. یک جمع ساده نشان می‌دهد که شرکت پشتیبانی امور دام با توجه به هزینه استهلاک نه تنها سود ده نیست، بلکه زیان ده نیز هست. این وضعیت برای شرکت سهامی غله کشور نیز وجود دارد. به این معنی که جمع درآمد این سازمان (درآمد اصلی + سایر درآمدها) معادل ۱۸۷۳۴ هزار میلیون ریال و جمع هزینه‌های آن (تولیدی + غیر تولیدی + استهلاک) معادل ۱۸۷۴۸ هزار میلیون ریال گزارش شده است. شرکت فرش ماشینی ایران نیز که در پوست شماره ۳ لایحه بودجه کل کشور جزو شرکت‌های سود ده امور بازرگانی به شمار آمده، همان وضعیت دو شرکت یاد شده را دارد. سی شرکت یاد شده براساس ارقام مندرج در این لایحه، نه یک ریال مالیات و نه یک ریال سود سهام می‌پردازند و آندوخته‌های قانونی و سرمایه‌ای آنها نیز صفر گزارش شده است.»

شایان یادآوری است که یکی از منابع درآمدی دولت در سال جاری (۸۱) از

تراز نامه عملیاتی بودجه سال ۱۳۸۲	(ارقام به هزار ریال)
درآمدها	۹۷,۳۳۷,۸۸۵,۰۷۰
بخش اول، درآمدهای مالیاتی	۷۰,۴۹۵,۰۵۴,۱۱۱
بخش دوم، کمک‌های اجتماعی	۰
بخش سوم، کمک‌های بلاعوض	۰
بخش چهارم، درآمدهای حاصل از مالکیت دولت	۱۰,۲۰۸,۹۶۳,۳۵۲
بخش پنجم، درآمدهای حاصل از خدمات و فروش کالا	۵,۱۱۵,۲۰۵,۲۰۰
بخش ششم، درآمدهای حاصل از جرایم و خسارت	۱,۵۲۷,۵۰۰,۰۰۰
بخش هفتم، درآمدهای متفرقه	۹,۸۷۱,۱۶۲,۴۰۷
هزینه‌ها	۱۶۹,۰۴۹,۵۳۳,۵۸۰
فصل اول، جبران خدمت کارکنان	۶۲,۹۱۸,۳۱۷,۲۱۲
فصل دوم، استفاده از کالاها و خدمات	۲۴,۷۶۰,۹۲۸,۷۹۰
فصل سوم، هزینه‌های اموال و دارایی	۴۲۹,۳۵۷,۲۰۴
فصل چهارم، یارانه	۳۵,۸۳۹,۲۰۲,۰۰۰
فصل پنجم، کمک‌های بلاعوض	۷,۰۲۸,۴۸۱,۸۴۰
فصل ششم، رفاه اجتماعی	۲۴,۹۷۷,۱۴۴,۷۰۶
فصل هفتم، سایر هزینه‌ها	۱۳,۰۷۶,۱۹۹,۸۲۸
تراز عملیاتی	- ۷۱,۸۱۱,۶۴۷,۵۱۰

## رخساره های امپریالیسم در دوران یک ساله ی پس از یازدهم سپتامبر (۱)

نویسنده: جیمز پترز - ترجمه: ب. محله

بازار سهام به طور مداوم در حال سقوط بود و کسر موازنه بازرگانی خارجی سیر صعودی داشت. از این رو، نظم نوین جهانی دوم به یک رخداد آغازگر نیاز داشت که بتواند بر موانع داخلی فائق آمده و با شوک حاصله متحدان را به زانو درآورد، و هر گونه عملیات مداخله گرانه یک جاتبه ای ایالات متحده را مشروع جلوه دهد.

یازدهم سپتامبر علاج واقعه بود. یک رخداد تروریستی محلی از طریق تکرار بی پایان تصویر سازه های رسانه های جمعی به پراهمیت ترین رخداد جهانی تبدیل شد، که به نوبه ی خود به مبنایی برای به راه آمدن یک جنگ صلیبی تمام عیار جهانی قرار گرفته که هدف غایی اش نظم نوین جهانی دوم بود.

برآمد همی این فاکتورها این بود که در هفتم اکتبر ۲۰۰۱ پروژه ی جدید و زهر آگینتر امپراتوری سازی آغاز گردید. بر اساس این استدلال که تروریستهای یازدهم سپتامبر از سوی بن لادن و القاعده هدایت می شدند، بن لادن هم ساکن افغانستان است، پس افغانستان هم در نهایت مسئول است، بمباران این کشور آغاز شد. تقاضای افغانستان هم برای مذاکره و پیشنهادش دالر بر استرداد بن لادن هر آن گاه که ایالات متحده شواهد و مدارک لازم را ارائه داده باشد، بدون هیچ معطلی رد شد. نظم نوین جهانی دوم هنگامی که مسائل فوری تری را، که همانا امر بنای امپراتوری جهانی است، در پیش رو دارد دیگر سر برداختن به صرفاً پیشنهادهای منطقی، آن هم از سوی کشوری مانند افغانستان را نخواهد داشت.

### فرهنگ سیاسی در ایالات

#### متحده یس از یازدهم سپتامبر

برخی از ویژه گیهای عمده ی نهادهای سیاسی و فرهنگ سیاسی غالب بر ایالات متحده در پرتو تحولات سیاسی پس از یازدهم سپتامبر کاملاً از پرده بیرون افتاد، که به اختصار عبارتند از: تأکید دوباره بر جایگاه امپراتوری در دوران جنگ سرد، سیاست تردید و سوء ظن به جای مانده از دوران مک کارتی-ترومن، سیستم پلیسی بر هزینه و مطلق مانند دوران جی ادگار هور و ایدئولوژی جنگ های دایمی، نظیر جهاد ضد

بقیه در صفحه ۱۱

برای بوش (پدر) پس از جنگ خلیج فارس اتفاق افتاد و باعث گردید تا در یخبوجهی رکود اقتصادی سالهای آغازین دهه نود، در مبارزه انتخاباتی شکست بخورد.

در راه اندازی پروژه جدید ساختمان امپراتوری، دولت جورج بوش تمامی اقدام های لازم در جهت نابودی همه موانع موجود بر سر راه استفاده ی نامحدودش از قدرت را به کار بسته است؛ و این در حالی است که تقصیر شکست پروژه ی اول نظم نوین جهانی را به گردن قراردادهای بین المللی و قوانین دست و پاگیر ناظر بر حقوق بشر می اندازد. دولت جورج بوش ماهها پیش از واقعه ی یازدهم سپتامبر و اعلام پروژه ی دوم نظم نوین جهانی، به روشی کاملاً سیستماتیک قرارداد کیوتو، توافقنامه ضد موشکی، دادگاه جهانی برای جنایتکاران و بسیاری از قراردادهای بین المللی دیگر را [به طور یک جانبه] منسوخ اعلام نموده بود. هدف نهایی همه ی این اقدام های یک جاتبه فراهم ساختن شرایط کمال مطلوب کمپانیهای نفتی [و تسلیحاتی] چندملیتی ایالات متحده و راه اندازی جنگ و توسعه عملیات نظامی بود.

در ضمن، دولت بوش این امکان را هم دارد تا از پیشینه ای که دولت کلینتون در تسک به بهانه ی "مداخله برای کمکهای انسانی" در توجیه جنگ افروزیهایش در بالکان به جا نهاده است، در سنگ بنای جنگ افروزیهای آینده اش سود جوید. به علاوه، جورج بوش از حمایت بی قید و شرط لابی اسرائیل، که به طور یکپارچه در پشت سر رژیم ماوراء راست اریل شارون ایستاده است، در هر حمله نظامی، به ویژه به رژیمهای عربی و یا اسلامی مخالف اسرائیل برخوردار است. از آن گذشته، تاکتیک ششمارون در استفاده از ششمار "ضد تروریسم" برای لاپوشانی جنایتهای تروریستی دولتی اش به بهترین وجهی با استراتژی واشنگتن در بنای امپراتوری انطباق دارد.

با همه این وجود، چندین فاکتور بازدارنده داخلی بر سر راه اعلام نظم نوین جهانی دوم وجود داشت که می بایست بر آن ها غلبه می شد. دولت بوش یک جمهوری اقلیت بود که بر اساس یک رای شماری کاملاً

ساخته است. دستور کار عربیان امپریالیستی از سوی واشنگتن به ظهور دوباره ی مبارزه ی ضد امپریالیستی راه برده است. تردیدی نیست که صرفاً با اتکاء به تعاریف نظامی-امنیتی از واقعیت نمی توان تضادهای طبقاتی و ملی را حذف نمود؛ بلکه برعکس به این تضادها دامن زده می شود. اگر چه معماران امپراتوری نظامی-امنیتی موفق شده اند مواضع راست افراطی را در رژیم بوش تحکیم کنند (رامزفلد، چینی، رایش، پلنتون، ولفوویتز، کلارک، پرل)، اما در عوض باعث شده اند که افکار عمومی اروپا و اکثریت جهان سوم علیه مقاصد امپریالیستی آنها بسیج شود.

### نظم نوین جهانی

نگاهی اجمالی به تحول وقایع از یازدهم سپتامبر به این سو، حکایت از نوعی بازبینی دلبه های پیشین را دارد. به لحاظ مختلف می بینیم که جورج (پسر) همان خطا سیر دوران ریاست جمهوری پدرش را دنبال می کند. از این زاویه، یازدهم سپتامبر نقطه آغازی بود برای اعلام نسخه ی دوم نظم نوین جهانی، و البته با توجه به مجموعه درس های لازمی که از شکست نسخه اول نظم نوین جهانی آموخته شده بود.

**نخستین درسی** [که معماران امپراتوری آموخته اند] این است که ساختمان امپراتوری نمی تواند بر اساس تصمیم گیری مشترک با متحدین اروپایی و آسیایی انجام شود. **دوم**، امپراتوری جهانی نیاز به جنگهای دایمی، بدون محدودیتهای زمانی و مکانی دارد، که می باید به فتوحات و اشغال نظامی ختم شود؛ جنگهایی که نباید صرفاً به شکست نظامی یک دشمن خلاصه گردد (مانند شکست نظامی حسین توسط بوش پدر)، زیرا که [دشمن شکست خورده] ممکن است بتواند یک بار دیگر از خاکسترش سر برآورد. و **سوم** این که به یک ایدئولوژی نیاز است که بتواند حمایت پایدار مردم از جنگهای دائم را تأمین نموده و مانع از فروکش کردن آن شود؛ و در عین حال نگذارد که افکار عمومی به مسائل داخلی معطوف گشته و باعث بی اعتباری رژیم گردد - مانند آن چه که

مقاله حاضر با عنوان 9-11: One Year of Empire Building قلم آقای جیمز پترز در ژورنال Canadian Dimension، شماره ۳۶، نوامبر/دسامبر ۲۰۰۲ ششم چاپ شده است. جیمز پترز، که به تازه گی به شورای سردبیری این ژورنال پیوسته است، استاد جامعه شناسی دانشگاه ایالتی نیویورک و چپ رادیکالی است که دست کم یک دهه گذشته را در آمریکای لاتین (به ویژه در برزیل و آرژانتین)، و درگیر مبارزات سیاسی و اجتماعی مردم این منطقه گذرانده است. این مقاله بررسی بسیار جامعی از عملکردها و برنامه های امپریالیسم آمریکا در طول یک ساله پس از عملیات تروریستی یازدهم سپتامبر است، و ویژه گی های برجسته آن را، اگر چه شاید به اختصار، برمی شمارد.

لازم به یادآوری است که از این نویسنده تا کنون دو مقاله دیگر نیز به نامهای "سراب راه سوم" و "مروری بر جنبش کارگران بیکار در آرژانتین"، پیش تر در "نبرد خلق" چاپ شده است.

ب. محله

### رخساره های امپریالیسم در دوران یک ساله پس از ۱۱ سپتامبر

پس از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ تغییرات عمده ای، از جمله مداخله و اشغال نظامی افغانستان، رشد آمیسی پایگاههای نظامی ایالات متحده در گوشه و کنار جهان، تصویب قوانین سرکوبگرانه ی بسیاری تحت لوای قوانین به اصطلاح "ضد تروریسم"، تدوین و ارایه دکترین "جنگ های دایمی"، مداخله نظامی و اعلام مصونیت کفبری [جنایتکاران جنگی آمریکایی] از سوی بوش، در جهان به وقوع پیوسته است.

معماران امپراتوری که کنترل کاخ سفید را در دست دارند پس از واقعه ی یازدهم سپتامبر خود را برای هر گونه اقدام نظامی مختار دانسته و به تمامی محدودیتهای بین المللی پشت پا زده اند. این ها تمامی قراردادهای بین المللی، از قرارداد کیوتو تا دادگاه جهانی برای جنایتکاران، را زیر پا نهاده اند. اتخاذ این چنین سیاستهای یک جاتبه ای باعث شده است که دولت ایالات متحده از نظر دیپلماتیک منزوی شده، و ظرفیت "ایجاد ائتلاف" اش نیز تضعیف گردد. از سوی دیگر، این سیاستها میلیونها انسان را

<sup>1</sup> Donald Rumsfeld

<sup>2</sup> Dick Cheney

<sup>3</sup> Otto Reich

<sup>4</sup> Bolton

## رخساره‌های امپریالیسم در دوران یک ساله پس از ۱۱ سپتامبر

بقیه از صفحه ۱۰  
کمونیستی که در نیم قرن گذشته جریان داشت. آن چه که منحصر به شرایط کنونی است در هم آمیزی تمامی این ویژه گی ها در یک مدت کوتاه یک ساله، آن هم در بحبوحه‌ی بحرانهای عمیق پاینده اقتصادی و از دست دادن فزاینده متحدان سیاسی است.

کمپین تبلیغاتی ضد تروریستی رژیم بوش بر یک [به اصطلاح] توطئه تروریسم جهانی متمرکز است که ظاهراً مترصد است تا به هر نقطه ای در ایالات متحده (و یا آن سوی اقیانوسها)، و به هر فردی در هر کجا حمله کند. این [کمپین تبلیغاتی] توانسته است تقریباً کل ایالات متحده را در پشت پروژه ساختن امپراتوری مادام العمر جهانی به خط نماید. یک سلسله کامل از نهادها - اداره امنیت داخلی، فرامین دولت پلیسی، قوانین مصوب از سوی دولت و کنگره (مانند قانون مام وطن<sup>۱۰</sup>) - و افزایش سرسام آور هزینه های نظامی، جاسوسی و پلیسی برای کنترل و زیر نظر داشتن، جنگلی احساس عدم امنیت عمومی را آفریده، و آمادگی همگانی را برای حمایت از معیارهای سرکوبگرانه جدید و عملیات نظامی مداخله گرانه در آن سوی اقیانوس ها فراهم ساخته است. برای آن که به جماعت مرغوب باورناتوان شده که تروریست ها در پشت در خانه هاشان کمین کرده اند، به طور گسترده و بی دلیل به نهادهای اسلامی و مهاجرین عرب و یا امریکاییهای عرب تبار حمله شده و ترور روانی به منتها درجه تشدید گشته است.

## استراتژی نظامی و بنیادهای اقتصادی بنای امپراتوری

اما تلاشهای جاری در برپایی امپراتوری جهانی به سبب تأثیرات مخرب اش بر اقتصاد و گرایشش در تعمیق نابرابریهای اجتماعی، بر بنیادهای سستی گذاشته شده است. اگرچه امپراتوری با فتوحات نظامی و با سیاسی آغاز می شود، اما با مال باید بر پایه های اقتصادی استوار گردد. تکیه بر نیروی نظامی برای حفظ سلطه جهانی تنها ابرقدرت جهان، به اقتصاد امریکا، چه در سطح داخلی و چه در آن سوی آنها، آسیبهای جدی وارد ساخته، و مقابله با کسری حسابهای خارجی باعث شده است که کسر بودجه‌ی هنگفتی به بار آمده و دلار به شدت تضعیف شود. ساختمان امپراتوری در عین حال با تعمیق نابرابریهای اجتماعی همراه بوده است. افزایش بودجه های

نظامی و آماده سازیهای جنگی در شرایط رکود اقتصادی باعث افزایش امراض [اجتماعی] داخلی می شود. در شرایطی که طبقه متوسط و افشار پردرآمدتر طبقه کارگر با سقوط سنگین درآمدهای شان روبرویند، "آرزوی کسب قدرت" جهانی جورج بوش نمی تواند برای [مدتی طولانی] مورد حمایت قرار گیرد. دکتترین تروریسم، گریز از دلار را در ابعاد گسترده در کنار مشکلات بسیار دیگر می آفریند. از جمله تأثیرات عمیق تر ساختاری می توان از زوال اقتصادی، تهی سازی صندوق بازنشستگی، و فقر و خانه خرابی ده ها میلیون مقررری بگیر حال و آینده نام برد.

## امپراتوری: مزایا و هزینه ها

در نگاه اول، شاید این گونه به نظر برسد که رژیم بوش از جنگ افغانستان و کمپین ضد تروریستی منفعت برده باشد. در کوتاه مدت، محبوبیت رژیم افزایش یافت؛ پایگاههای نظامی امریکا در سراسر جهان گسترش یافت؛ قوانین سرکوبگرانه‌ی بسیاری به تصویب رسید؛ تخصصی بودجه های هنگفت نظامی تأمین گردید؛ مشکلات بین مجبور به فرمانبرداری از ایالات متحده شدند. تعاریف نظامی از واقعیت به افزایش سرسام آور فروشهای صنایع نظامی انجامیده است. رژیم بوش با تحریف و وارونه سازیهای حداکثر در ارتباط با تهدیدهای تروریستی، هم زمان با اعلان جنگ، یک سری از قوانین به اصطلاح ضد تروریستی را نیز توانسته است از تصویب بگذراند، که بخش بزرگی از حقوق دموکراتیک مصرح در قانون اساسی را معلق می سازد. قوانین سرکوبگرانه از یک سو، و از سوی دیگر کوهی از تبلیغات، به نوبه‌ی خود موجب زانو زدن بسیاری از روشنفکران مترقی و افراد صاحب نام گردیده است، که در نهایت هجوم به افغانستان و روایت رسمی از ترور را پذیرفتند.<sup>۱۱</sup> تعریف نظامی سیاست جهانی به تمامی نشستها و جلسات بین المللی سرایت نموده و بر دستور کارشان سایه افکند؛ و به طور موقت تمامی مسائل اجتماعی-اقتصادی و تنشهای منطقه ای تحت الشعاع کمپین به اصطلاح ضد تروریستی قرار گرفت. ولشنگتن با تحمیل چنین دستور کاری توانست توسعه طلبیهای نظامی-سیاسی اش را به پیش برده و "متحدین اش" را در اروپا و جهان

سوم تحت اقتیاد پروژه اش برای استیلای بر جهان در آورد. اما، در میان مدت، بسیاری از این به ظاهر مزایا، با تأثیرات نیرومند منفی، گریبانگیر می شوند. برای نمونه، بودجه‌ی کل کشور به میزان دوپست میلیارد دلار دچار کسری شده است. به علاوه، تمامی بودجه های جنگی و به اصطلاح ضد تروریستی نیز نتوانسته است به توان رقابتگری ایالات متحده در تجارت جهانی کمک کند، که به نوبه‌ی خود با کسر موازنه‌ی بازرگانی کمرشکن پانصد میلیارد دلاری روبرو است. این به اصطلاح تدابیر هم چنین نتوانسته است که مانع سقوط ارزش دلار گشته و از کاسته شدن شدید سرمایه گذارهای خارجی جلوگیری نماید.

درماندگی اقتصادی دولت بوش و عدم توانایی اش در بهبود موقعیت رقابتگری صنایع داخلی در برابر رقبای خارجی، در عین حال موجب افزایش چشمگیری در اتخاذ معیارهای حفاظتی و بارانه های کشاورزی گردیده است. این مسئله باعث شده است تا رقبای کارآتر اروپایی و جهان سومی به موضعی خصمانه کشانده شده، و تعهد ایالات متحده به بازرگانی آزاد نیز مورد تردید قرار گیرد؛ و بدین ترتیب موقعیت آن بخشهایی از اقتصاد ایالات متحده که از توانایی رقابتگری بیشتری برخوردارند نیز تضعیف شده است. تلاشهای بعدی کنگره در تحمیل مالیات میلیارد دلاری بر سرمایه های خارجی و استفاده از این منبع درآمد به نفع شرکتیهای آمریکایی باعث خشم اتحادیه‌ی اروپا و تهدیدش مبنی بر توقف سرمایه گذارهای شرکتیهای چندملیتی اروپایی شد. و سرانجام، کمپین تبلیغاتی جنون آلود ولشنگتن به احساس عدم امنیت سرمایه گذاری و فرار سرمایه های خارجی به مناطق امن تر خارج از ایالات متحده منجر شد. کمپین به اصطلاح ضد تروریسم، به همراه مقررات سختی که برای کنترل نقل و انتقال پول در نظر گرفته شده باعث کاهش چشمگیر داد و ستدهای مالی در آن سوی آب ها گشته و سیستم بانکی را تضعیف نموده است.

## چارچوب سیاسی امپراتوری

### سازی پس از یازدهم سپتامبر

ویژه گیهای رژیم بوش و پروژه اش برای بنای امپراتوری جدید، در مجموع، زمینه را برای آینده جنگ به

سمتگیری ویژه ای در ارتباط با خاور میانه فراهم می سازد.

نخستین ویژه گی رژیم بوش سرشت عمیقاً ناحیه ای و روابط محکم اش با سرمایه های [علی الخصوص] نفتی تکراس است. اگر روابط کلینتون با کلاه برداران تکنولوژی اطلاعاتی (IT) به عروج و سقوط حبابهای تکنولوژی اطلاعاتی، فایبر اپتیک، و زیست-فن شناسی راه برد، رابطه بوش با چنابکاران صنایع نفتی و انرژی و مدیر کلهای همدستان به سقوط بازار سهام، گریز سرمایه به سقوط شدید دلار انجامیده است. رژیم بوش تا خرخره در منجذاب فعالیت‌های دزدی خورانه‌ی شرکتیهای بزرگ فرو رفته است. این رژیم به هیچ روی رژیم کارسالاران موفق و در ارتباط با سرمایه داری اصیل نیست. در عوض، موفقیت یکایک اعضای آن (شامل خود بوش، چینی و دیگران) و حاشیامان اش (مانند ایران<sup>۱۲</sup>، سان اوپل<sup>۱۳</sup>، هالیوود<sup>۱۴</sup> و غیره) بر شیادی، دروغ و پولبازی استوار است. این رژیم از آن جا که پیرامونش را دزدی خورهای کارکننده ای فرا گرفته اند که بیش از آن چه که باید درباره‌ی فعالیت‌های نرمال سرمایه داری بدانند از فوت و فن پولبازی و دوز و کلکهای مالیاتی و راست و ریس کردن دفاتر حساب سر در می آورند، قادر به رقابت در بازار و کسب درآمد از آن طریق نیست. در اقتصاد بین المللی، سرمایه داری دزدی خوار، به جای تولید و عرضه‌ی کالای مرغوب، از طریق اتکاء به نیروی نظامی و رهبران فاسد است که راحت تر به تأمین سهمش از بازار دست می یابد.

به سبب ایفاء نقش فوق العاده‌ی بخش انرژی و گروههای صنایع نظامی در این رژیم است که دولت بوش به تسخیر مناطق استراتژیک نفتی در آسیای مرکزی (دربرای خزر)، عراق/ایران/کره شمالی<sup>۱۵</sup> (با به گفته بوش کشورهای "مخبر شر") و بر سرکار گماردن یک رژیم دست نشانده در ونزوئلا مصمم است. ارتباط تنگاتنگ میان رژیم بوش و بخش های سرمایه‌ی استخراجی را می توان در حضور دو عنصر کلیدی، یعنی دیک

بقیه در صفحه ۱۲

<sup>12</sup> Enron  
<sup>13</sup> Sun Oil  
<sup>14</sup> Halliburton

<sup>11</sup> بد نیست که در این جا اضافه شود که این تنها روشنفکران ایالات متحده نبودند که مقهور تبلیغات و تهدیدات شدند، بلکه حساباً مسعودی مانند "حزب کمونیست کازگری ایران" نیز با توسل به توجیهاتی از جمله امپریالیست ها به



## رخساره‌های امپریالیسم ....

بقیه از صفحه ۱۱

چینی معاون رییس جمهور و اونیل وزیر خزانه داری دیدند. سرمایه ی استخراجی برای دست یافتن به امتیازات ویژه، جهت دسترسی و بهره برداری از منابع زیرزمینی کشورهای دیگر، علی الخصوص کشورهای جهان سوم، به طور عمدۀ منکی بر مناخله ی سیاسی و نظامی هست. رژیم بوش به این سبب که توسط نخبگان اقتصادی به غایت فاسدی احاطه شده و زیر نفوذشان قرار دارد، از تأمین حاکمیت هژمونیکش، جز با توسل به زور، عاجز است. بر سر کار گماردن رژیم کرزی در افغانستان یک مورد نمونه نماست که رژیم بوش آشکارا و از طریق خریدن نمایندگان در لیبی جزیره، یا به اصطلاح شورای رهبران قبایل، انجام داده است.

اما، آن چه که روابط رژیم بوش را با صنایع نفتی پیچیده می سازد حضور نیرومند و متنفذ لابی اسرائیل در داخل و خارج این رژیم است. در رژیم بوش نیز، مانند بسیاری از رژیم های دنیا، در پیته ی سیاستهای داخلی، بخش انرژی و صنایع نفتی جایگاه ویژه ای دارد. اما، در ارتباط با سیاستهای خاورمیانه ای این رژیم، این لابی طرفدار اسرائیل است که از دست بالا، نسبت به کمیتهای نفتی، برخوردار است. در حالی که لابی اسرائیل و صاحب نظران دست راستی یهودی (مانند الیوت کوهن<sup>۲</sup>، ریچارد پرل، آدلمن<sup>۳</sup>، ولفویوتز) موفق شده اند که جنگ علیه عراق را، در راستای سیاستهای آریل شارون، قطعی سازند. کمیتهای نفتی در عوض، هراسان از اتهام احتمالی تأسیسات نفتی و توقف استخراج نفت، از طرح صلح عربستان سعودی و حضور بازرسان تسلیحاتی سازمان ملل در عراق جانبداری نموده اند. اما، به رغم این احتیاط کاری، رژیم بوش هم چنان طرح مصادره ی چاههای نفتی عراق، البته در صورتی که هنوز وجود داشته باشند، را در جهت منافع نفتی ایالات متحده، و هم چنین احتمال مداخله ی نظامی در عربستان سعودی راه که هم اکنون از سوی مغزکلهای دست راستی فوق الذکر تبلیغ می شود، در دستور کار قرار داده است.

آخرین ویژه گی دولت بوش ناتوانی کاملش در هدایت اقتصاد سرمایه داری است. بوش، غرق در دنیای کوچک بازرگانی تکراس، در میان مشتکی کلاه

بردار که بسیاری هم اکنون تحت پیگرد و تحقیق قرار دارند، هاج و واج مانده است. تیم وی فاقد بازیگرانی است که از خارج وی را پشتیبانی نموده و در تدوین یک استراتژی اقتصادی به منظور روبرویی با بحرانهای سرمایه گذاری به او یاری برسانند. بدون این چنین کمکی از بیرون، خود وی فاقد هر گونه توانایی و حداقل دانش لازم، مهارت سیاسی و یا قدرت سازماندهی در سازمان دادن به یک تیم جدید برای پیشگیری از سقوط محتمل است. تنها منبعی که در دسترس بوش قرار دارد وزرای جنگی، ماشین جنگ و ابزار سرکوش می باشد. به موازات تضعیف اقتصاد حقیقی توسط بازار سهام و جست و جوی دوستانش برای یافتن گریزگاهی، بوش بیش از پیش به حربه ی جنگ برای حفظ رژیمش متوسل می شود - که همانا یک حمله ی گسترده و همه جانبه به عراق و حمایت بلاشروط از جنگ اسرائیل علیه فلسطینیهاست.

## دکترین بوش

دکترین بوش اساساً یک پروژه ی عمیقاً اراده گرایانه ی "خواست قدرت" است که چهار ایله ی محوری ساخت و بافت اساسی آن را تشکیل می دهد. که عبارتند از: جنگهای دائم؛ یک جانبه گرای (خودمحوری)؛ مصونیت کیفری [جانپیکاران جنگی آمریکایی]؛ و جنگ هم زمان در چند صحنه. ایدئولوژی ضدتروریستی این دکترین را توجیه نموده و به توبه ی خود یکی از نیروهای محرکه ی آن می باشد.

نخستین ایله ی محوری دکترین بوش این است که بنای امپراتوری اساساً یک پروژه ی نظامی است. به جز برخی نگرانی های محدود برای کنترل بر منابع نفتی و یا ارتقا ی صنایع نظامی، این دکترین هیچ گونه نظرکرد سیستماتیک به بنیادهای اقتصادی امپراتوری و یا به پی آمدهای اقتصادی الزامات نظامی فراگیر ندارد. هیچ اثری نیز از همگرایی میان کمپین نظامی/ضدتروریستی از یک سو و منافع کمیتهای چندملیتی به چشم نمی خورد. پیشفرض دکترین بوش این است که در چارچوب سلطه ی نظامی ایالات متحده بر جهان، به خودی خود بستر لازم برای بسط اقتصادی این کشور فراهم می گردد. تردیدی نیست که این فرضیه در اساس نادرست است. برخی از فاکتورهایی که علیه این فرضیه وجود دارند به اختصار عبارتند از: رشد فزاینده ی رقابت های اقتصادی، فشار پیش از حسد و زبان آور مخارج نظامی/ضدتروریستی (امنیت داخلی) بر اقتصاد، و تعمیق بحران اقتصادی در

دومین ایله ی کلیدی دکترین بوش دست زدن به اقدام های یکجانبه، یا به عبارتی خودمحوری است. واشنگتن با کسی مشورت نکرده و به مذاکره نمی نشیند؛ در قدرت با کسی سهیم نشده و غنایم به دست آمده را نیز با کسی قسمت نخواهد کرد. پیش از یازدهم سپتامبر یکجانبه گرایی (خودمحوری) به عنوان ابزاری برای زیر پا گذاشتن توافق نامه های بین المللی محیط زیست و قراردادهای محدود سازی کاربرد تسلیحات استفاده می شد. اما، از یازدهم سپتامبر به این سو یکجانبه گرایی (خودمحوری) به مبنایی برای فرمولبندی و هدایت سیاست خارجی ایالات متحده بدل شده است. این سیاست در واقع چیزی جز تجاوز امپریالیستی به مخالفان و ادار ساختن متحدان اروپایی به تسلیم نیست. این سیاست صرفاً برای باز گذاشتن دست ارتش به عنوان نیروی محرکه ی ساختمان امپراتوری طراحی شده است. دخالت نظامی در افغانستان و اشغال این کشور تصمیم یکجانبه ی ایالات متحده بود؛ انتخاب رژیم فعلی افغانستان و حمایت از این رژیم نیز، که چیزی بیش از یک عروسک خیمه شب بازی نیست، در واشنگتن تصمیم گیری شده است.

تلهامچ نظامی آینده به عراق نیز دقیقاً از همان الگوی افغانستان پیروی می کند. سلاهایدهی و حمایت از کودتای [شکست خورده ی] نظامی بر علیه دولت قانونی ونزولاً نیز منحصرأ به دست ایالات متحده انجام گرفت. پیمان نظامی ناتو، که به طور ضمنی اشاره بر نوعی از مشاوره با اروپاییها پیش از انجام هر گونه عملیات ماورای بحار را دارد، دیربازی است که موضوعیت و حیات مفیدش را از دست داده است. چارچوب جدید بین المللی، کنترل کامل ایالات متحده [بر تمام دنیا] است، که در آن دولتهای اروپایی و رژیمهای مزدور [جهان سوم] باید نقش تأمین کننده ی مالی و پلیس را به عهده داشته باشند.

اصل سوم دکترین بوش برای جنایت کاران جنگی ایالات متحده مصونیت کیفری بین المللی قائل است. استراتژیستهای نظامی به این نکته خوب واقفند که هر گونه توسعه طلبی و جهان گشایی امپریالیستی جز با توسل به جنایتهای جنگی علیه غیرنظامیها امکان نخواهد داشت. دکترین نوین نظامی بمباران تمامی زیربناهای حیاتی، شکنجه و اعدام زندانیهای سیاسی، هدف قرار دادن غیرنظامیها در مناطق کشمکش، و سرپا نگه داشتن رژیمهای دست نشانده به زور سرنیزه را شامل می شود. نفسی کامل و قطعی صلاحیت قضایی دادگاه

آمریکا از سوی واشنگتن اساساً به این معناست که ایالات متحده قصد دارد تا برای برپایی امپراتوری همه ی وسایل ممکن، از جمله جنایت علیه بشریت را به کار گیرد. دخالت نظامی و اشغال افغانستان حاکی از این واقعیت ملموس است. بمباران بیمارستانها، محله های مسکونی و جشنهای عروسی، شکنجه و اقرار گرفتن از اسرای جنگی، زیرپا گذاشتن آشکار کنوانسیون ژنو، که کاملاً نیز مستند شده است، همگی به روشنی نشان می دهند که چرا ایالات متحده صلاحیت قضایی هیچ گونه دادگاه عدالت بین المللی را نمی خواهد به رسمیت بشناسد. [اصل] مصونیت کیفری به ویژه در ارتباط با سرشت سراپا نظامی پروژه ی امپراتوری سازی است که اهمیت می یابد.

چهارمین موافه ی دکترین بوش این ایله است که ایالات متحده توانایی حضور هم زمان در صحنه های گوناگون جنگ، و در عین حال حضور در جنگهای مترتب بر آن ها را داراست. اگرچه هنوز عملیات نظامی ایالات متحده در قبلی بین، کلمبیا و عراق به سطح عملیات جنگی در افغانستان نرسیده است، اما در مجموع به یک استراتژی فراگیر جنگی بدون اولویت های اقتصادی، با نوعی بهره وری از منابع [ظواهر] بیکران و حمایت افکار عمومی [در داخل ایالات متحده] اشاره دارد. دکترین جنگهای دائم به گسترش وسیع ابزار دولتی، یعنی افزایش هزینه های دولتی و دخالت بیشتر دولت در امور اقتصادی، نیازمند است. جنگ امپریالیسم و اقتصادیات دولتی برای حمایت از آن ها کدهای عملیاتی دکترین بوش را تشکیل می دهند.

ایدئولوژی عنصر کلیدی در رانش به سوی امپراتوری از طریق جهان گشاییهای نظامی است. از نقطه نظر معماران امپراتوری نظامی حسن ایدئولوژی در نامحدود بودن آن است. [از نظر آنها ایدئولوژی] اجازه ی دخالت حداکثر در تمامی مناطق و علیه هر گونه مقاومتی را می دهد. زیرا، هدف آن نه تنها گروههای تروریستی قابل شناسایی است؛ بلکه تمامی کشورهایی را هم که به قولی تروریستها از آن جا عملیات انجام داده و هم چنین تمامی گروههایی را که زمانی با آنها مراوده داشته اند، مورد هدف قرار می دهد. بدتر از آن، واژه ی "تروریست" آن چنان گل و گشاد تعریف شده است که می توان به هر گروهی که درگیر مبارزه علیه رژیمهای نظامی، علیه امپریالیسم (یا علیه به اصطلاح جهانی شدن)، و یا درگیر مبارزه علیه رژیم های خون آشام محلی است، به دلخواه

<sup>1</sup> O'Neill - لازم است یادآوری شود که وی اخیراً توسط جورج بوش، در طی مسابوری بر ای میل بحران های فزاینده اقتصادی، از

## ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و آساره‌ی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۳۵)

اسماعیل وفا یغمایی

### در باره اتابکان فارس

اتابکان فارس در ابتدای پندگهان و بنده زادگان پادشاهان سلجوقی بودند که بر فارس حکومت میکردند. اینان از زمره ترکمانان و از تیره و تبار شخصی به نام سفیر بودند که از سالهای ۵۲۳ تا ۶۶۳ هجری بر فارس حکومت کردند. از اتابکان در تاریخ و ادبیات ایران به دلیل حفظ قلمرو حکومتشان از کشتارهای مغولان و علائق آنان به فرهنگ و ادب پارسی نامی نیکو باقی مانده است.

### سلسله قراختانیان (قتلغ خانیه) در کرمان

دورانی از نفوذ و اقتدار زنان  
۶۱۹ - ۷۰۳ هجری، ۱۲۲۲ -

۱۳۰۴ میلادی

۱- براق حاجب ابن گلدوز "قتلغ خان ۶۱۹-۶۲۳ هجری. براق حاجب از امیران دربار خوارزمشاه بود که پس از حمله مغول به کرمان آمد و در کرمان لویای حکومت بر افراشت. او با مغولان از در اتحاد و دوستی در آمد و خراجگزار و مطیع آنان گردید.

۲- رکن الدین مبارک خواجه ابن براق ۶۲۳ - ۶۵۰ هجری.

۳- قطب الدین محمد، برادر زاده براق حاجب ۶۵۰ - ۶۵۵ هجری. او با همسر بیوه عمویش براق حاجب، به نام قتلغ ترکان ازدواج کرد و بر اعتبار خود افزود، قتلغ ترکان زنی هوشیار و با سیاست و مقتدر بود و در حقیقت او کرمان را با پشتیبانی هلاکو خان مغول اداره می کرد.

۴- سلطان حجاج و قتلغ ترکان ۶۵۵ - ۶۸۰ هجری. پس از مرگ قطب الدین محمد چون سلطان حجاج به سن رشد نرسیده بود قتلغ ترکان همچنان زمام امور را در دست داشت. قتلغ ترکان برای افزودن نفوذ خود و بستن راه بر مدعیان حکومت، دختر زیبای خود پادشاه خاتون را به همسری اباقا خان مغول در آورد. پس از آنکه سلطان

او را از کرمان راند. قتلغ ترکان به شکایت نزد اباقا خان رفت و اباقا خان سلطان حجاج را از سلطنت در کرمان محروم کرد و سلطان حجاج آواره شد و سرانجام در سال ۶۹۰ هجری در هندوستان مرد. قتلغ ترکان، خاتون مقتدر کرمان تا سال ۶۸۱ هجری فرمانروای کرمان بود. در این تاریخ فرزند دیگر شوهرش به نام سپور غتمش توانست فرمان حکومت کرمان را از سلطان احمد تگودار خان مغول بگیرد و قتلغ ترکان را خلع کند قتلغ ترکان از اندوه از دست دادن حکومت بیمار گردید و مرد.

۵- جلال الدین سپور غتمش ابن قطب الدین ۶۸۱ - ۶۹۱ هجری. سپور غتمش به مدت دهسال توانست زمام حکومت را در دست داشته باشد ولی خواهرش پادشاه خاتون که پس از مرگ اباقا خان به ازدواج گیخاتو خان مغول در آمده بود منتظر فرصت بود تا انتقام مادر خود را از برادر باز ستاند. با مرگ ارغون خان مغول و به حکومت رسیدن گیخاتو این فرصت فراهم شد و پادشاه خاتون سپور غتمش را دستگیر کرد و در قلعه ای به زندان انداخت. سپور غتمش مدتی بعد توانست با نفوذ همسرش کردوجین، از خاتونان با نفوذ مغول و ابش خاتون بانوی مقتدر از زندان نجات یابد ولی دو باره دستگیر شد و این بار پادشاه خاتون با قتل برادرش خیال خود را راحت کرد.

۶- صفوه الدین پادشاه خاتون دخت قطب الدین ۶۹۱ - ۶۹۴ هجری. پس از قتل سپور غتمش پادشاه خاتون زمام حکومت کرمان را در دست گرفت. پادشاه خاتون که زیبایی چشمگیر و دانش و هوشیاری او بر محبوبیتش افزوده بود خود را حسن شاه نام نهاد اما بخت چندان با او مدد نکرد. کردوجین همسر سپور غتمش، دختر زیبای خود، شاه عالم را به ازدواج ابلیخان جدید مغول در آورد و خود با نیرویی از مغولان کرمان را تسخیر کرد و پادشاه خاتون را به انتقام قتل همسرش به قتل رساند.

۷- مظفر الدین محمد شاه ابن سلطان حجاج ۶۹۴ - ۷۰۱ هجری

۸- قطب الدین شاه جهان ابن سپور غتمش ۷۰۲ - ۷۰۳ هجری. او آخرین پادشاه قراختایی کرمانست که از طرف هلاکو خان به امارت کرمان رسید ولی به زودی توسط الجایتو معزول شد و ک مار. مستقما تحت امارت شهنشاهان.

### در باره قراختانیان کرمان

قراختانیان اندکی کمتر از یک قرن بر ایالت کرمان حکومت راندند و در طول حکومت خود همواره مطیع و خراجگزار مغولان بودند و به نوعی با مغولان - به دلیل ازدواج با خانها و خاتونان مغول - در آمیخته بودند. دوران قراختانیان دوران کشمکش بر سر امارت در درون سلسله قراختایی و نفوذ زنان صاحب اقتدار مغول و قراختایی است. براق حاجب اگر چه با سر پیچیدن از ولی نعمت خود خوارزمشاه و توطئه به حکومت رسید اما از زاویه ای نقشی مانند اتابکان فارس ایفا کرد و کرمان از هجوم مغول و ترور عمومی در امان ماند.

### سلسله اینجو

۶۹۴ - ۷۵۸ هجری، ۱۲۹۵ - ۱۳۵۷

میلادی

پس از به سلطنت رسیدن ابوسعید و جلوس او بر تخت ابلیخانی مغول، کردوجین شاهزاده خانم مغول، دختر ابش خاتون و قاتل پادشاه خاتون اقتدار تمام یافت. ابوسعید به پاس خدمات کردوجین او را پس از مادرش ابش خاتون در سال ۷۱۹ هجری فرمانروای فارس کرد و منطقه وسیع تحت حکومت او را از مالیات معاف نمود. کردوجین که به ازدواج یکی از شهنشاهان مغول در آمده بود روزگار را به بنای مساجد و عمارت فراوان گذراند. در سال ۷۲۹ هجری امیر مبارز الدین محمد ابن مظفر فرمانروای یزد به شیراز آمد و با ازدواج با مخدومشاه قتلغ ترکان دختر قطب الدین محمد قراختایی بر اعتبار کردوجین افزوده شد.

در عهد حکومت کردوجین شرف الدین محمود اینجو وکیل املاک خاصه ابلیخانی و از اعتقاد خواجه عبدالله انصاری عارف نامدار، ممالک جنوبی ایران را از اصفهان تا خلیج فارس تحت تسلط خود در آورد و خود را محمود شاه اینجو خواند. ملغیان محمود شاه اینجو علیه ابوسعید ابلیخان مغول، سرانجام او را از تخت قدرت به زیر آورد و قتل او به دست اریگاون از آخرین ابلیخانان مغول به حکایت او خاتمه داد. در پیچ و خم حوادث بعدی اریگاون مغول به دست پسران محمود شاه اینجو کشته شد. در حوادث فراوان میان فرزندان اینجو و امیر مبارز الدین محمد و چوپانیان سرانجام ابو اسحاق فرزند محمود شاه اینجو بر شیراز مسلط شد و سکه و خطبه به نام خود کرد و تا سال ۷۵۸ هجری بر شیراز حکومت کرد. دوران او دوران کشاکش سلسله اینجو و سلسله مظفران است. ده سال اینجه

### آتشکاران

فرزندان آفتاب و ابریشم  
چون کیوتران سبکیال،  
از معبر عشق گذشتند.

باد،

در سوگشان،

بر شانه‌ی دشت گریست.

در آتش خروشیدند،

و در محراب خون خویش،

گل دادند.

با قلبی بزرگ و پر شور،

و شعله‌ی بهار را،

در خواب نسترته‌ها،

فروران کردند.

م.وحیدی (انگلیسی)

### آوای امید

با دیده‌های دوخته به درب سالها

در بی ناچی خویش

با سرخی و آماس چشمان از فرط انتظار

اینک آمد ز راه

آن که میمون قدمش

و شوق نگاهش

سبزه و گل

به برگ و بال شاخه‌ها

آمد ز راه

آن که نسیم خرامش

توشه‌دان قاصدک هاست

و ره آوردش

بوی مستی باغ

به مشام کوچمها

آمد ز راه

آمد ز راه

ب. دهقان

در صدد بود که سلسله مظفریان را بر اندازد ولی در نهایت و پس از جنگها و کشاکشهای فراوان مقهور امیر مبارز الدین مظفری شد و شیراز را وانهاد و به اصفهان پناه برد اما سرانجام در سال ۷۵۷ هجری توسط سپاهیان پیروز امیر مبارز الدین اسیر و مدتی در قلعه طبرک زندانی و سپس به شیراز منتقل شد و در روز جمعه بیست و یکم جمادی الاولی سال ۷۵۸ هجری در میدان سعادت آباد شیراز که از بناهای خود او بود به قتل رسید. با قتل او دفتر حکایت خاندان اینجو بسته شد شاه شیخ ابو اسحاق اینجو دومین و آخرین امیر خاندان اینجو مردی با سخاوت، فاضل و اهل شعر و ادب، خوشگذران، سخت کش و بی تدبیر دوستدار بنای عمارات و بناها بود.

## اخبار فرهنگی

## در گذشت کنعان کیانی

کنعان کیانی، بازیگر فیلم «دشمن کل»، بازیگر تئاتر و سینما و رادیو در روز ۶ دیماه درگذشت. کنعان کیانی در دوبله سریال کارتونی «پینوکیو» به جای گریه نره حرف می زد.

## در گذشت امیر هوشنگ آذر

امیر هوشنگ آذر، نویسنده، شاعر و مترجم در روز ۶ دیماه در گذشت. مجموعه شعر «از بهار تلخ زمین» و رمانهای «آس و داس» و «سفرنامه ددیت» از کارهای زنده یاد امیر هوشنگ آذر است. وی از جمله همکاران زنده یاد احمد شاملو در مجله ادبی خوشه بود.

## دستگیری علی رضا جباری - مترجم

روز دوشنبه ۹ دی همسر علی رضا جباری - مترجم آثاری چون تمسک (۳۰ مجموعه‌ی داستانی از تولستوی)، ابی‌ترین چشم (تونی مورسون)، افق‌های نوین جنبش عدم تعهد و ... در تماسی تلفنی با خیرگزاری دولتی دانشجویان ایران (ایسنا)، اظهار داشت که از روز شنبه، هفتم دی‌ماه، از همسرش هیچ اطلاعی در دست نیست. پروانه شمیرانی در پی این تماس به خبرنگار ادبی ایسنا گفت: روز شنبه، بین ساعت ۱۰ تا ۱۲، سه نفر با لباس شخصی، همسر علی رضا جباری را از محل کارش به منزل آورده‌اند و بعد همراه با دست‌نوشته‌هایش او را برده‌اند و هم‌اکنون از او بی‌اطلاعم.

## تکذیب بهرام بیضایی

در پی انتشار خبری در یکی از سایتهای اینترنتی مبنی بر این که جمعی از مشهورترین کارگردانان سینمای ایران اخیراً نامه‌ای محرمانه خطاب به رییس سازمان صدا و سیما نوشته و از او خواسته‌اند تا در ساخت سریالها و فیلمهای سینمایی مشارکت کنند، بهرام بیضایی امضای این نامه را تکذیب کرد. روز دوشنبه ۹ دیماه، «بهرام بیضایی» طی گفت و گوی تلفنی به خبرنگار ایسنا گفت که علیرغم درج نام او در این خبر به عنوان یکی از امضاکنندگان این نامه، وی هرگز از چنین نامه‌ای اطلاع نداشته و آن را امضاء نکرده است. گفتنی است این سایت خبری اسامی سینماگرانی چون ناصر تقوایی و مسعود کیمیایی را نیز به

## بستری شدن علی تجویدی



روز چهارشنبه ۱۱ دیماه ایسنا گزارش نمود که علی تجویدی، آهنگساز ۸۳ ساله و موسیقی‌دان برجسته‌ی کشور، در بیمارستان لقمان حکیم تهران بستری شد. علی تجویدی روز ۲۵ دی به بیمارستان آزاد انتقال یافت و با اختلال در تنفسش در بخش ICU بستری شد.

## لغو امتیاز نشریه‌ی دانشجویی عصر آگاهی

نشریه‌ی دانشجویی عصر آگاهی که در دانشکده‌ی الهیات دانشگاه فردوسی مشهد منتشر می‌گردد لغو امتیاز شد و مصطفی نخعی دانشجوی رشته‌ی فقه و مبانی دانشکده‌ی الهیات مشهد و مدیر مسئول نشریه دانشجویی عصر آگاهی نیز به حکم کمیته‌ی انضباطی دانشگاه فردوسی مشهد به دو ترم محرومیت از تحصیل با احتساب سنوات محکوم شد. صبح روز پنجشنبه ۱۲ دی ماه دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد دست به یک تجمع اعتراضی زدند. این تجمع در اعتراض به تعطیلی همزمان سه نشریه دانشجویی و صدور حکم تعلیق برای یکی از دانشجویان در مقابل ساختمان مرکزی دانشگاه فردوسی صورت گرفته بود.

**بازداشت تعدادی از هنرمندان**  
جمعه شب ۶ دیماه پس از مراسم گشایش نمایشگاهی که در نگارخانه‌ی آربین برگزار شد تعدادی از هنرمندان شرکت کننده توسط اداره‌ی اسکان بازداشت شدند.

## پورزند شستشوی مغزی شده است

به گزارش سایت خبری «امروز»، نمایندگان ویژه اتحادیه اروپا به این نتیجه رسیده‌اند که سیامک پورزند در جریان بازداشت و بازجویی شستشوی مغزی شده است. سفرای ملاقات‌کننده با پورزند در محافل دیپلماتیک نقل کرده‌اند که وی در زمان

گفته آنان این نگرانی به حدی بوده که پورزند حتی نمی‌توانست در مورد خواسته‌های خود و یا پیشنهادهای مرتبط با آینده‌ی سیاسی و وضعیت زندان سخنی مطرح کند. آنها به این نتیجه رسیده‌اند که وی در جریان بازجویی‌ها تحت فشار روانی و به اصطلاح شکنجه سفید قرار گرفته و به میزان بسیار بالایی شستشوی مغزی شده است.

## بهرام بیضایی و زن در سینما

روز ۱۷ دی ماه، در ادامه‌ی سلسله نشستهای همایش زن در سینما، فیلم «چریکه‌ی تارا» به کارگردانی بهرام بیضایی به نمایش درآمد. به گزارش خبرنگار سرویس سینمای ایسنا، در ادامه‌ی جلسه، فاطمه متمداریا به عنوان مجری مراسم و بهرام بیضایی، با حضور در جمع حاضران در جلسه پرسش و پاسخ شرکت کردند.

بیضایی در پاسخ به این سوال که انتقاد به چه نوع تفاوت‌های غیراناثومیکی بین زن و مرد، دارد گفت: یک فیلمساز مجبور نیست یک تیورسین، منتقد اجتماعی و نظریه پرداز بوده و راجع به هر چیزی بلد باشد. جوایهای من دیدگاههای شخصی من هستند و هیچ دستورالعملی برای هیچ کس نیستند و به نظر من تفاوت‌هایی روحی، روانی بین زن و مرد هست که بخشی از آنها فرایند اتفاقات تاریخی می‌باشد و واضح است که حتی از نظر روانشناسی نیز با هم تفاوت‌هایی دارند همان طور که خود زنها هم از نظر روانشناسی با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند.

بیضایی در ادامه چنین بیان نمود: نظریه‌ای وجود دارد که بر طبق آن تمدن و فرهنگ ساخته زنان است و زنان به دلیل مسائل مربوط به بارداری، لازم بود به جهت تامین سلامت و امنیت فرزند و خانواده‌هایشان در جاهایی ساکن شوند اما مردها مجبور بودند برای تهیه غذا، حفظ مرزها و جنگیدن با دشمن دایم در حرکت باشند این تمرینها، مردها و زنان را از نظر قوای بدنی با یکدیگر متفاوت کرد بنابراین بر طبق این نظریه، آنچه مردان در طول قرن‌ها انجام می‌دهند جبران آن چیزی است که ندارند، یعنی باروری، یعنی زنها فرزند بوجود می‌آورند و او را رشد داده و بزرگ می‌کنند و در نتیجه، تاریخ و فرهنگ، امر سازند، هیچ مرد،

بیضایی در ادامه یادآور شد: البته این نظریه که مردها به طور دائم به دنبال جبران این ضعف می‌باشند می‌تواند غیرعلمی و بدون جذابیت باشد. زن بدون مرد و مرد بدون زن نمی‌توانست به حیات خویش ادامه دهد و زن و مرد به لحاظ حقوقی یکی هستند و مردان نباید به خود اجازه بدهند که حقوق و دنیای زنان را تعریف کنند و بگویند که زن باید چنین باشد و چنان نباشد، این را نپوشد آنرا ببوشد آنها فقط می‌توانند راجع به شخص خودشان حرف بزنند، نباید برای کل تاریخ تعیین تکلیف کند و مثلاً همینکه «چریکه تارا» مدت ۲۵ سال در توقیف مانده است به این دلیل است که کسانی تصمیم گرفته‌اند مقررات الان خودشان را که مجهز به اسلحه و فلان است در تمام تاریخ تعمیم بدهند.

در ادامه‌ی جلسه، معتمد آریا خاطر نشان کرد: اخیراً در جامعه‌ی فرهنگی ما متداول شده که وقتی هر اتفاقی در حال رخ دادن باشد و زنی پشت آن باشد مثل سمینار زن، سینمای زن، نقاشی زن و هر چیزی با نام زن مد شده و از آن استفاده‌ها و بهره‌برداری‌های خوب و بد می‌کنند. وی افزود: می‌خواهم بدانم در جامعه‌ای که به لحاظ فرهنگی دارای نوسانات بسیاری هستیم، زنها بیشتر از مردان تحت فشار قرار می‌گیرند؟ بیضایی در پاسخ گفت: من نمی‌دانم در چنین جامعه‌ای چقدر به زنان یا مردان اجحاف می‌شود، فقط به خاطر دانشه باشیم که هر اجحافی که به زنان می‌شود تاثیرش در زندگی مردان هم هست و همینطور بالعکس. بهرام بیضایی گفت: یک زمانی، هر اسمی که یک لغت «سیاسی» یا «علمی» پشتش بود جلب توجه می‌کرد، تئاتر علمی، سینمای علمی و به نظر می‌آید همه چیز باید تعریف شود حالا تصادفاً اینجا سینمای زنانه خیلی بی‌مسما نیست و معنی‌اش سینمایی است که توسط زنها یا درباره زنان ساخته شده است. بیضایی در پایان جلسه درباره «سوسن تسلیمی» و علت عدم حضورش در سینمای ایران گفت: وقتی او به هیچ وجه امکان حضور در سینمای ایران را نیافت تصمیم گرفت از ایران برود رفتن او باعث افتخار تمام سیاست‌گذاران سینما و تئاتر ایران است!



## درباره طرح جبهه همبستگی ملی برای سرنگونی استبداد مذهبی

نتوانسته است همه نیروی مردم جامعه را کاتالیزه کند شاید بزرگترین آن در انقلاب ایران بود که میراثش باعث مشکلاتی شد.

**سؤال:** موانع تشکیل این طرح چیست؟  
**جواب:** من تصور می‌کنم به جواب این سؤال شما در خاتمه صحبت های قبلم نزدیک شده بودم. موانعش این است که مردم ما در تجربه قبلی خود به دلایل بسیار زیادی که به این بحث خلاصه ما مربوط نمی‌شود از جمله خلا فضایی سیاسی و نبود احزاب و سازمانهای سیاسی که تنها سازمانی که وجود داشت و می‌توانست پاسخگوی حرکت بزرگ مردم باشد سازمان مذهبی آخوندها بود. مردم به شعار "همه با هم" خمینی شک دارند و حق هم دارند زیرا می‌گویند پیرمرد زاهدی آمد و با این شعار ما را به چنین بدبختی گرفتار کرده است و از این شعار می‌ترسند بنابراین یکی از مهمترین موانع، مسأله روانی اجتماعی است که ما باید تا آنجا که می‌توانیم این مشکل را حل کنیم و بر آن فائق آئیم. مشکل بعدی متحدان رژیم در سطح بین المللی هستند، اینان بی‌خودی آنجا نمانده‌اند و ارتباطاتشان بی‌خود نیست. چندی پیش یکی از خبرنگاران رادیوهای دولتی اروپایی به من گفت که چرا شما به ما پاسخ نمی‌دهید؟ چرا با ما حرف نمی‌زنید؟ من پاسخ دادم که شما که بعد از ۲۱ سال اسم ما را اشتباه می‌گویند و آدرسهای ما را اشتباه می‌دهید و وقتی مایک اجتماع اعتراضی تشکیل می‌دهیم شما ناگزیر می‌شوید خبر این اجتماع را به زبانهای مختلف از رادیوهای مختلف اعلام می‌کنید ولی وقتی به زبان فارسی می‌خواهید خبر را اعلام کنید می‌گویند "جمعی از ایرانیان!!" شما که این قدر از بیان اسم ما می‌ترسید و وحشت دارید این نشاندهنده آن است که این دستگاههای بین المللی که افکار سازی می‌کنند در خدمت رژیم هم هستند، استعمار دشمن ماست. همین چند مدت پیش که در کنگره آمریکا به تروبیست خواندن سازمان مجاهدین خلق ایران اعتراض شد و حمایت از مقاومت مطرح بوده است طرفداران خاتمه ای و جمیع دشمنان شورای ملی مقاومت همگی جمع شدند و فقط توانسته‌اند ۱۹ رای علیه مقاومت جمع کنند در صورتیکه طرفداران شورا ۱۵۰ رای جمع کرده‌اند. ما توانستیم اینگونه موانع را در سطح بین المللی تضعیف

کسی از آنها عدم سوء سابقه نمی‌خواهد زیرا اگر کسی فرار است روزی به این مسائل جواب بدهد باید به مردم جواب بدهد نه به یک سازمان سیاسی. باید به نیاز جنبش توجه کرد، همین چند مدت پیش وزارت اطلاعات یک نظرسنجی به آخوند خاتمه ای داده است که ۷۵ درصد از مردم مخالف جدی نظام جمهوری اسلامی هستند و بعضی از این مسائل در خود نشریات رژیم نوشته می‌شود، همان روزنامه ای که مخارجش به پای خود این نظام است. فراموش نکنیم که زمانی که این نظام تشکیل شد اسمش دولت امام زمان بود و باز هم فراموش نکنیم که چندی پیش آیت الله امینی که معاون مجلس خبرگان نظام است گفت که اگر امام زمان بیاید اول گردن خود ما را خواهد زد، بنابراین هم ما قبول داریم، هم مردم و هم دشمنان و دوستان ما که شرایط عوض شده، بنابراین وقتی مقتضیات تغییر کرده است زمان، زمان باز شدن است. درست است که فشارهای متحدان بین المللی روی ما زیاد است، زیرا تا زمانی که کسی را از آستین خود بیرون نیاوریم آخوندها و این رژیم را ترجیح می‌دهند اما حقیقتاً ما نیروهای معتقد به سرنگونی رژیم است که در خیابانهای تهران هستند، کاتالیزه کردن این نیروها هدف و نیاز طرح جبهه ملی همبستگی است.

**سؤال:** لطفاً بفرمائید که برای به انجام رساندن طرح جبهه ملی همبستگی باید چه کرد؟ وظیفه ما چیست؟  
**جواب:** از طرف شورای ملی مقاومت وظایف جدیدی هم برای اعضای شورا ایجاد خواهد کرد.

**جواب:** مثل همه وظایفی که ما در قبال دیگر طرحهای شورا داریم با توجه به این که این طرح روی میز است، طرح جدی، مهم و ضروری است. ما باید از دوستانمان مثل شما استفاده کنیم و نظراتشان را به اجتماع برسانیم، طرح را مورد انتقاد قرار دهیم تا به ضعف هایش پی ببریم، بیاموزیم و اگر چیزی می‌دانیم به دیگران انتقال دهیم و نقد کنیم و نظرات دیگران را بشنویم زیرا حداقل دستاوردی که این طرح دارد این است که ما با هم بیشتر تعاطی نظر داشته باشیم که در شرایط فعلی ما چگونه می

دسترسی به یک تلفن می‌بایست که به فکر یک عملیات نظامی می‌بودند. امروز اگر متهم به خودستایی نشویم که البته این افتخار را مردم ایران دارند با تلاشهای شورای ملی مقاومت و مقاومت ملت ما، شرایط کاملاً دیگری وجود دارد، بنابراین نیازهای دیگری وجود دارد و این نیاز کل جنبش است نه فقط نیاز شورای ملی مقاومت، ما در شرایطی هستیم که باید با ملاکهای جدیدی روابط مبارزاتی خودمان را تنظیم کنیم این است که شما می‌بینید وقتی این طرح اعلام می‌شود یک اصول و پرنسیپهای بسیار عام تر و درخواستهای مورد نظر مردم عنوان می‌شود، وقتی طرح داده می‌شود از افرادی دعوت می‌شود که جمهوریخواه هستند و با آخوندها نیستند و طرفدار جدائی دین و ولایت هستند هیچ پیش شرط دیگری از طرف شورای ملی مقاومت در این دعوت گذاشته نشده است چرا؟ چون شرایط اصولاً عوض شده و ما به شرایط جدیدی روبرو هستیم و بایستی به مقتضیات این شرایط جواب بدهیم. من به بحثها و انتقاداتی که این روزها می‌شود که بعضی با عصیانیت و بعضی با احساسات پاک، گوش می‌کنم و خوشحالم که حداقل پیشنهاد این طرح یک بحث ایجاد کرده است. بعضی می‌گویند که پیشنهاد این طرح یک اقدام تبلیغاتی است، بعضی می‌گویند ناشی از شکست است و این دو نظر ماهیتاً با هم فرق دارد.

جبهه هنوز تشکیل نشده و فقط طرح آن اعلام شده چون من به مسأله فرم اهمیت زیادی می‌دهم و خوب هنوز جبهه تشکیل نشده، طرح در افکار عمومی هنوز نه نقد شده و نه موانعش بررسی شده دیده می‌شود که یک سری حذف شورا در جبهه را درخواست می‌کنند با این حال که هنوز جبهه تشکیل نشده است!! البته از آنجا ما اصل را بر روی حسن نیت افراد می‌گذاریم تمامی این نظرات نیز از روی حسن نیت افرادی است که به فکر منافع عموم هستند مگر نه اصولاً وارد این مسائل نمی‌شدند و می‌رفتند دنبال آسایش خودشان. افرادی نیز بسیار عاقلانه تر با این مسأله برخورد می‌کنند.

جایی نوشته‌اند که اعضای که وارد این جبهه می‌شوند باید حساب پاک داشته

**گفتگوی جعفر پویه از جنگ صدا با آقای محمد رضا روحانی حقوقدان و مسئول کمیسیون ملیتهای شورای ملی مقاومت**

۱۹ آذر ۱۳۸۱

**سؤال:** آقای روحانی لطفاً بفرمائید چرا شورای ملی مقاومت که خود یک اتحاد مبارزاتی است پیشنهاد طرح تشکیل یک اتحاد جدید و طرح جبهه ملی همبستگی را به دیگر نیروهای سیاسی مطرح می‌کند؟

**جواب:** من فکر می‌کنم سؤال شما کاملاً بر حق و درست است اما فراموش نکنید که از زمان تشکیل شورای ملی مقاومت تا کنون ۲۱ سال گذشته است و بسیاری از ملاک ها و مسائل در حیات سیاسی ملت ایران و سطح بین المللی عوض شده است که فرصت اجازه نمی‌دهد که هم اکنون به همه آنها بپردازیم اما به عنوان مثال در روابط بین المللی ما با فرو ریختن دیوار برلین، رقابتهای بین اروپا و آمریکا و همکاریهای عظیم اقتصادی بین کشورهای سرمایه داری و چین روبرو هستیم که ۲۱ سال پیش وجود نداشت. در زمانی که شورای ملی مقاومت تشکیل شد ما با امکانات دیگری که داشتیم با مسائل و مشکلات دیگری روبرو بودیم، امروز جمعیت کشور ما شکلش عوض شده آن زمان که شورای ملی مقاومت تاسیس شد مثلاً جمعیت شهر نشین ایران حدود ۲۵ درصد و جمعیت روستائی ۶۵ درصد بود ولی امروز این قضیه عکس شده، آن زمان مثلاً ما ۱۰۰ هزار تا ۱۲۰ هزار دانشجو داشتیم اما امروز حدود یک میلیون دانشجو در ایران داریم، آن زمان که شورای ملی مقاومت تاسیس شد برای این که شعار "مرگ بر خمینی" بتواند در خیابانها گفته شود باید خیلی از جوانان وصیت نامه خود را می‌نوشتند، ۵ مهر سال ۶۰ را فراموش نکنید و فراموش نکنید که در هفته گذشته فریاد "رهبر برو گمشو" مردم بسیاری از خیابانهای تهران را فرا گرفت و نهاد سرکوب رژیم تنها توانست مردم را متفرق کند آن هم در مکانهایی که درگیری صورت گرفته بود ولی در آن

## پرسش و پاسخ در باره‌ی طرح جبهه همبستگی ملی (۲)

مهدی سامع

و البته با صداقت و وفاداری به خواست مردم وارد این پروژه شده است. چه خوب است که متقدمان و مخلفان این طرح (البته روی سخن بنا جمهوریخواهان سرتنگونی طلب است) صداقتانه و با آزاد اندیشی و بدون یکسوتگری نگاهی به فعل و انفعالی که پس از اعلام طرح جبهه در بین نیروهای سیاسی بیندازند تا ببینند که این طرح چه نقش مهمی در قطب بندی جامعه ایفا کرده است.

طرح جبهه در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۱ در شورای ملی مقاومت ایران به تصویب رسید و حدود یک هفته بعد اعلام علنی شد. همزمان با آن علیرضا علوی تباراز تورسینهایی دوم خردادی در گفتگویی با ماهنامه "آفتاب" در شماره ۲۰ آبانماه ۱۳۸۱ تحت عنوان "اتلافهای تازه، گامی برای نو سازی جبهه دوم خرداد" نظرات خود را در باره گسترش ائتلاف

و شکل گیری جبهه متحد برای مردمسالاری از راه مسالمت آمیز بیان کرد. در همین مصاحبه است که او پیشنهادهایی برای جذب بعضی نیروهای سیاسی به حکمت ارایه می دهد. در روز ۱۱ آذر ۱۳۸۱ مقاله ای تحت عنوان «تشکیل جبهه متحد حول چه محوری؟ با کدام نیروها؟!» در وبلاگ «رنگین کمان» که یکی از سیاسی ترین وبلاگهای فارسی زبان و چابدار نیروهای ملی-مذهبی است چاپ می شود. علاوه بر این می توان لیست بالا بلندی از موضع گیریها، پیامها و هشدارهای سرکردگان رژیم در مورد مقاومت را تنظیم کرد به طوری که یکی از آنان به ناچار به انجام ۱۰۰ رشته عملیات در مدتی محدود علیه نیروهای مقاومت در خاک عراق اعتراف نمود.

همچنین به مصاحبه کیهان لندن (که مدتها از طرفداران جدی خاتمی بود) با رضا پهلوی که در شماره ۳۱ آذر این روزنامه چاپ شده مراجعه کرد. در این مصاحبه است که رضا پهلوی صریحتر در مورد مسائلی چون «دولت انتقالی» و زیر سوال بردن «اساس و بنیاد» قانون اساسی

بقیه در صفحه ۱۷

نیروهای جمهوریخواه سرتنگونی طلب در یک جبهه متحد شده اند. آیا بدین ترتیب ذره ای از مسایل و مشکلات مربوط به این چالش کاسته می شود؟ ظاهرا کسانی که علت ارایه این طرح را مساله حمله به عراق می دانند، ما را بسیار ساده و شاید هم ساده لوح فرض کرده اند. و نکته مهم در این رابطه این است که همگان می دانند موضوع حمله به عراق یک مساله ماه و روز است. در حالی که ما از ابتدا بر این امر تاکید کرده ایم که برای تشکیل این جبهه هیچ شتاب و عجله ای که مانع پخته شدن طرح در اذهان فعالان سیاسی شود نداریم.

## ۳- شکست

بسیاری این حکم را صادر کرده اند که ما شکست خورده ایم و بنا بر این چنین طرحی پیشنهاد کرده ایم. تناقضهای مدافعان این حکم مثل مدافعان حکم ضعف است و البته فاقد استدلال. بعضی ها از قماش دوم خردادیها و مدافعان آنها که «پیشرفته تر» هستند زجهت پختن حلوی مرگ ما را نیز کشیده و آن را «توسیع جان کرده اند اما خیلی زود با واکنشهای هستریک رژیم در مورد ما مواجه می شوند و حتما یاد این مثل می افتند که «مرده را چوب نمی زنند». تا آنجا که من به یاد دارم این مراسم «بر شور و هیجان» و البته این آرزوی خیباته بارها تکرار شده و نتیجه ای جز متفضح شدن مدافعان این حکم نداشته است. من در پاسخ یکی از سوالهای تشریحی مجاهد گفتم که: «آنگون همگان می توانند پس از شکست پروژه اصلاح طلبان قلابی به خوبی در مورد تواناییهای نیروهای سیاسی قضاوت کنند. در شرایطی که «جمهوری خواهی»، «دموکراسی» و «جدایی دین و دولت» به یک مساله عمومی که همه جا از آن صحبت می شود تبدیل شده، و در حالی که سقف اصلاح طلبان قلابی چیزی جز «مشروطه کردن ولایت فقیه» نیست، ابتکار عمل شورا پروژه قطب بندی در جامعه پیرامون این خواسته های عمومی را به سرعت تسریع می کند و همزمان نقش مناخله گرانه شورا هر نقشه استعماری که بخواهد از بالای

پاسخی ندیده ام و البته ما به مثابه شورای ملی مقاومت بسیار خوشحال خواهیم شد اگر نیروهای سیاسی ضد تمامیت رژیم هرچه بیشتر تقویت شوند ولی واقعیت کنونی که همگان به آن اذعان دارند این است که شورا و مجاهدین قویترین و جدیترین اپوزیسیون سرتنگنی طلب است. آیا شورا و مجاهدین نسبت به گذشته خود ضعیفتر شده اند؟ باید دید دستگاه سنجش کسانی که این طرح را ناشی از چنین وضعی می دانند چیست؟ به طور مثال آیا در تظاهرات مقاومت در خارج از کشور تعداد کمتری نسبت به گذشته شرکت می کنند؟ من هرچه کنکاش کرده ام نتوانسته ام دلیلی برای چنین حکمی در نوشته ها و سوالها پیدا کنم.

آیا شورا و مجاهدین نسبت به رژیم حاکم ضعیف شده اند؟ در مورد این سوال هم باید دید دستگاه سنجش چیست؟ اگر منظور این است که رژیمی با ترور و تمامی اشکال سرکوب و تضییع بندی و بستهای بین المللی در ایران حاکم است و مقاومتی هم در مقابل آن وجود دارد که با تمام نیرو با آن مبارزه می کند اما هنوز این رژیم پابرجا است، پس نیروی مقابل این رژیم ضعیف است، باید بگویم که این حکم را می توان در مورد رابطه هر رژیم حاکم و نیروی مقابل او، حتی در آخرین روزهای آن رژیم حاکم صادر کرد و البته این حکم وقتی کامل می شود و به یک دستگاه فکری تبدیل می شود که گفته شود رژیم حاکم قویتر شده است و من بر این باورم که در ذهن بسیاری از مخالفان شورا این موضوع (آگاهانه یا خود به خودی و نا آگاهانه) اثر گذاشته است.

من تا کنون هیچ استدلالی در مورد عامل «ضعف» در نقد طرح جبهه ندیده ام مگر آن که این ضعف را به حمله احتمالی آمریکا به عراق مربوط کنند.

## ۲- حمله به عراق

تقریبا در تمامی تقدها و یا طعنه زدنها و یا سوالهای از زاویه مخالفت با طرح جبهه، مساله حمله احتمالی آمریکا به عراق جای برجسته ای دارد. اما کسانی که این عامل را دلیل ارایه طرح جبهه از طرف شورا می دانند، یک لحظه به خود زحمت نمی دهند که فکر کنند ارایه این طرح حلال چه مشکلی می باشد. مساله احتمال حمله به عراق یک مساله مهم و

از وقتی طرح پیشنهادی شورای ملی مقاومت ایران برای ایجاد جبهه همبستگی ملی منتشر شده نامه های زیادی دریافت کرده ام که در تعدادی از این نامه ها سوالهایی پیرامون این طرح مطرح شده است. برای همه ی این هموطنان پاسخی کوتاه و خصوصی فرستاده ام و قول داده ام که به ترتیب در نبرد خلق به بعضی از سوالها که به مساله جبهه ربط پیدا می کند در حد توانم پاسخ گویم و البته با این توضیح ضروری که مواضع رسمی شورا به وسیله مسئول شورا بیان می شود. اکنون الوده وفا و البته پاسخ به سوالهایی که به این طرح مربوط نیست و ویژه آن دسته از سوالهایی که به سازمانهای عضو شورا بر می گردد را به فرصتی دیگر واگذار می کنم. سعی من بر این است که سوالها را دسته بندی کنم و با وجود آن که در چند مصاحبه به مهمترین مسایل مربوط به جبهه پاسخ گفته ام، باز هم به خاطر روشن شدن مسایل به مهمترین آنها می پردازم.

## سوال دوم- به چه دلیل شورای

ملی مقاومت ایران طرح جبهه همبستگی را پیش نهاد کرده است؟ آیا علت آن ضعف شورا و به خصوص مجاهدین خلق نیست؟ آیا این طرح یک مانور سیاسی است و یا یک طرح جدی برای متحد شدن جمهوریخواهان سرتنگونی طلب؟ آیا این طرح به خاطر حمله آمریکا به عراق و به بن بست رسیدن مقاومت نیست؟ آیا علت آن وارد کردن نام سازمان مجاهدین خلق در لیست سازمانهای تروریستی اتحادیه اروپا نیست؟ آیا این طرح به خاطر شکست شورا و مجاهدین نیست؟

## جواب- قبل از این که نظرم را در

مورد این که به چه دلیل شورا این طرح را پیشنهاد کرده بنویسم لازم می دانم بعضی از سوالها و یا حکمیایی که مطرح می شود را اندکی حلاجی کنم.

## ۱- ضعف

گفته می شود که این طرح از سر ضعف است. اما کسانی که چنین ادعایی می کنند خود موظف نمی دانند که بگویند این ضعف نسبت به کیست.

آیا شورا نسبت به نیروهای دیگر مخالف رژیم ضعیف شده است؟ اگر چنین است این کدام نیروی سیاسی یا کدام

## پوشش و پاسخ در باره‌ی طرح جبهه ....

بقیه از صفحه ۱۶

## در باره‌ی طرح جبهه همبستگی ....

بقیه از صفحه ۱۵

هم موافقی وجود دارد و هم اینکه در جهان همه چیز در اراده‌ی ما نیست، در هر صورت این چشم انداز برای ما است که در صورت بالا گرفتن اعتراضات مردم کمیته‌های همبستگی به طرف این جبهه خواهند آمد و این جبهه موفق خواهد شد که مبارزات را مشخص تر، متمرکزتر و منظم تر کند. در مورد خارج از کشور ما بارها دیده ایم که از این جبهه‌های تر و تازه، زیبا با ادبیات و امضاءهای خوب درست شده است ولی از روی کاغذ اینطرفتر نیامده است و توجه کنید که که سلطنت طلب‌ها همین چند مدت پیش فقط سه شورا تشکیل داده اند یکی از آنها از روی پلانترمی است که پسر شاه اعلام کرده و دیگری از طرف یکی از اعضای سابق کانون نویسندگان در آمریکا داده شده و دیگری از طرف یک سرهنگ زیر نام شورای ملی ایرانیان، منظوم این است که این عکس العملها و عملیات واکنشی نشان می‌دهد که اصل مطلب چقدر اهمیت دارد.

سؤال: آقای روحانی لطفاً بفرمائید شما چشم انداز طرح جبهه همبستگی ملی و بطور عمومی چشم انداز مبارزات مردم ایران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: من تصور می‌کنم که در شرایط فعلی پیشرفت، توسعه و شکل گیری این جبهه سرنگونی دقیقاً به سرنوشت جنبش مردم در داخل ایران بستگی دارد و همیشه این طور بوده البته این خلاف عقل است اگر بگوئیم ما به عناصر حیات بین المللی اهمیتی نمی‌دهیم هنوز هم اهمیت می‌دهیم و قبلاً هم این مسأله مهم بود و بهترین دوستان ما در سطح بین المللی پارلمانها و نمایندگان افکار عمومی و بسیاری روزنامه نگاران هستند اما در شرایط فعلی سرنوشت و چشم انداز این جبهه بیشتر با جنبش مردم داخل ایران گره می‌خورد و در عمل این آنجاست که می‌تواند امکان فراهم کند برای این که بستر اتحاد مبارزاتی شکل جدی تری بخود بگیرد بدین ترتیب من می‌خواهم از ابتکاری که یکی از دوستان شما به خرج داده استفاده کنم، شعاری قدیمی که ما در دانشگاه تهران اعلام می‌کردیم "اتحاد، مبارزه، پیروزی" و فراموش نکنیم که وقتی شورای ملی مقاومت سرود "ای ایران" را به عنوان سرود رسمی خودش اعلام کرد کمترین حرکت مبارزاتی انجام می‌شود که این سرود در آن خوانده نشود.

درد هم در سطح بین المللی و هم در ذهن خودمان البته سوء تفاهماتی هم وجود دارد از جمله سوء تفاهم دوستی که یادداشتش را امروز خواندم که از اعضایی که می‌خواهند به این جبهه بپیوندند حساب پاک و عدم سوءسابقه می‌خواست، نه!! چنین چیزی نیست ما چنین حقی را برای خودمان قائل نیستیم، این مسائل، مسائل سیاسی و منافع عموم است و نه مسأله شخصی و خصوصی، اگر فردی و یا حزبی خطائی و یا جرمی مرتکب شده باید به مردم جواب بدهد اگر امروز به این اتحاد مبارزاتی تن بدهد و بپذیرد و قدم جلو بگذارد بسیار مهم است و ما باید این گونه مشکلات و موانع ذهنی را که مربوط هموطنان است نه متحدان بین المللی رژیم با صبر و به خاطر مصالح ملت حل کنیم و بسوی یک اتحاد مبارزاتی گام برداریم.

سؤال: آقای روحانی طرح جبهه همبستگی ملی چه تأثیری می‌تواند بر روی نیروهای سیاسی داخل و خارج کشور بگذارد؟

جواب: من در مورد نیروهای خارج از کشور هنوز نمی‌توانم اظهار نظر کنم اما به طور قطع مطمئن هستم که از آنجا که امکان فعالیت علنی در داخل وجود ندارد و بنابراین اتحاد مبارزاتی ناگزیر باید تشکیل شود و با توجه به این که ما امروز در کشورمان حدود یک میلیون معلم داریم که مطالباتی مشخص دارند هم به لحاظ سندیکائی، صنفی و هم به لحاظ حقوقی، ما در کشورمان مشکلات زحمتکشسان و کارگران را داریم که اینان درخواستهای بسیار جدی برای آزادی دارند از جمله آزادیهای سندیکائی، این مسأله بسیار مهم است و ما خودمان نزدیک به ۲۱ سال است که در مجامع بین المللی دنبال این مسائل هستیم و مشغول نتیجه گرفتن هم هستیم، ما زنان دانشجو و معلمی داریم که اینان نیز مطالباتی دارند و امکان فعالیت علنی در داخل کشور ندارند مسلم است که این جبهه همبستگی ملی تبدیل به چیزی خواهد شد مثل کمیته‌های همبستگی و شوراهای اعتصاب نفت گران که در زمان انقلاب عملاً در کشور حاکمیت را اعمال می‌کرد، اگر درست عمل کنیم این چشم

کند زیر بار آن شانه خم می‌کند، وقتی مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت در بیانیه اعلام طرح جبهه می‌گوید: «با قدردانی مجدد از موج همبستگی خود انگیزه‌ی سی که امسال، در اوج روبرویی مقاومت با رژیم خونخوار خمینی، به دفاع از حقانیت مقاومت برای سرنگونی نظام استبداد مذهبی حاکم بر ایران برخاست و توطنه استعماری - آخوندی قرار دادن سازمان مجاهدین خلق در فهرست سازمانهای تروریستی را افشا و رسوا کرد» و پس از آن علت این طرح را «دریاسخ به درخواستها و پیشنهادها و سؤالیهای مشتاقان

جمهوری اسلامی و لزوم تغییراتی در «قانون اساسی مشروطه» صحبت می‌کند، همگان شاهد فعل و انفعالها و پیشنهادهای و موضع گیریهای نیروهای مخالف رژیم پس اعلام طرح جبهه هستند که البته در مقابل یک نیروی «شکست» خورده و «ضعیف» ضرورتی نمی‌یافت.

## ۴- فشار

در واکنش به طرح جبهه بسیاری از عامل «فشار» در اعلام این طرح از طرف شورا صحبت کرده اند. البته زاویه نگاه و نوع توجه به فشار و مشخص کردن دقیق آدرس این فشار متفاوت و در مواردی کاملاً متضاد

در یک کلام هدف این طرح سرنگون کردن رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و استقرار یک نظام دمکراتیک و سکولار (لایتیک-عرفی-غیر مذهبی) مبتنی بر جمهوری با هزینه هرچه کمتر است.

آزادی مهین درباره راههای تقویت و گسترش همبستگی ملی «اعلام می‌کند، در حقیقت «درخواستها و پیشنهادهای و سؤالیها» بیان یک ضرورت و یا فشار اجتماعی و «پاسخ» به آن یک درک جدی به ضرورت است. در حقیقت همه ی حرکتهای سیاسی مقاومت ایران چنین خصیصی دارد، همان طور که قبلاً هم گفته ام «این طرح انعکاس درست واقعیتهای عینی در تئوری و عمل ما هست، و این واقعیت عینی یک فشار اجتماعی به ما و بقیه نیروهای سیاسی و اجتماعی وارد می‌کند، و خواه ناخواه این فشار به ویژه در بحران انقلابی که اکنون در جامعه ما وجود دارد نیروهای سیاسی جدی را هم متحد می‌کند و هم مجزا». در یک کلام هدف این طرح سرنگون کردن رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و استقرار یک نظام دمکراتیک و سکولار (لایتیک-عرفی-غیر مذهبی) مبتنی بر جمهوری با هزینه هرچه کمتر است.

است، من خود از طرفداران نظریه فشار هستم و در مصاحبه‌های مختلف به آن پرداخته و یکبار دیگر هم به آن در این پاسخ می‌پردازم. اما قبل از آن به یک رویداد تاریخی اشاره کنم. وقتی مارکس در پیش گفتار چاپ دوم کتاب ۱۸ برومر لویی بناپارت می‌گوید که این کتاب «زیر فشار مستقیم رویدادها» نوشته شده، نه فقط از نقش و موقعیت انکار ناپذیر مارکس ذره ای می‌کاهد بلکه نشان می‌دهد که مارکس قادر به درک ضرورتهای مشخص است.

اما در مورد مسأله فشار در اعلام این طرح باید ببینیم به یک جریان سیاسی چه فشارهایی وارد می‌شود. به نظر من به یک معنی مبارزه سیاسی یعنی فشار وارد کردن و فشار پذیرفتن و کنش و واکنش نشان دادن در مورد روند عینی تحولات به منظور رسیدن به هدف این فشار از جانب دشمن، رقیب و دوست و در یک کلام از طرف واقعیتهای اجتماعی به نیروهای سیاسی وارد می‌شود و هر



## در گوشه و کنار جهان

اسد طاهری

### هائیتی

مخالفان رئیس جمهوری با یک راهپیمایی در پایتخت این کشور، "بورتو پرنس"، به طرف کناخ ریاست جمهوری خواهان کناره‌گیری "ژان برتران آریستید" رئیس جمهور این کشور شدند.

شرکت کنندگان در این راهپیمایی ضد دولتی که از افزایش هزینه سوخت به خشم آمده و به فساد فزاینده و حکمرانی سرکوبگرانه او نیز اعتراض داشتند هنگامی که در تلاش برای رسیدن به کاخ ملی بودند، در نزدیکی مرکز شهر هدف حمله قرار گرفتند. این تازه ترین اعتراض هائی است که این جزیره فقیر حوزه دریای کارائیب را از چند ماه گذشته دربر گرفته است. پلیس برای متفرق کردن جمعیت از گاز اشک آور استفاده کرد و هلی کوپترهای آن در ارتفاع بسیار پائین به پرواز در آمده و موجب هراس و فرار مردم به کوچه های تنگ و باریک پایتخت شدند.

"آریستید"، کشیش سابق کلیسای کاتولیک ابتدا در سال ۱۹۹۰ به عنوان رئیس جمهور هائیتی انتخاب، اما چند ماه بعد با یک کودتای نظامی از کار برکنار شد. اما با کمک نیروهای آمریکائی در سال ۱۹۹۴ مجدداً به قدرت رسید.

### افغانستان

"عبدالرحیم کریمی" وزیر دادگستری افغانستان، روز ۱۲ ژانویه در جمع خبرنگاران در کابل سازمانهای کمونیستی را در کنار گروه طالبان قرار داد و اعلام کرد: این گروه ها از هر گونه فعالیت سیاسی ممنوع می باشند.

در شمال افغانستان دو فرمانده طرفدار ژنرال عبدالرشید دوستم، رهبر جنبش ملی-اسلامی و استاد عظامحمد، نماینده حزب جمعیت اسلامی در منطقه "کشنده"، در ولایت بلخ با یکدیگر درگیر شدند.

### کره شمالی

۱۱ ژانویه - بیش از یک میلیون نفر از مردم در شهر "پیونگ یانگ" (پایتخت کره شمالی) به نشانه حمایت از تصمیم دولت این کشور برای خروج از پیمان منع تکثیر سلاح های هسته ای، در خیابان های شهر راهپیمایی کردند.

مردم با تجمع در خیابانها، میدان و محله های مختلف شهر، حمایت خود را از بیانیه

میلیونی مردم که در میدان "کیم ایل سونگ" گرد آمده بودند، پیوستند.

کره شمالی در سال ۱۹۹۸، با شلیک یک موشک بالستیک دور برد از روی ژاپن، جهان را حیرت زده کرد. کره شمالی روز ۱۰ ژانویه، همچنین بار دیگر در خواست خود از آمریکا مبنی بر امضای پیمان منع تجاوز میان پیونگ یانگ و واشنگتن را تکرار کرد. روزنامه "رودونگ سین مون" ارگان حزب کمونیست کره شمالی، در شماره روز گذشته خویش ضمن هشدار به آمریکا در مورد پرهیز از به زانو درآوردن رقیب دیرینه خود (کره شمالی) نوشت، بهتر است واشنگتن با کسب شناخت بهتری از "پیونگ یانگ"، اقدامات خصمانه خود را بر ضد کره شمالی متوقف سازد و هر چه سریعتر پیشنهاد سازنده "پیونگ یانگ" را در امضای پیمان منع تجاوز بپذیرد. "کیم گوانگ سوپ" سفیر کره شمالی در "وین" اعلام کرد ما آماده هستیم به آمریکا اجازه دهیم این موضوع را که کره شمالی در صورت ترک سیاست خصمانه واشنگتن سلاح هسته ای نخواهد ساخت، بررسی کند.

مقامات مختلف جهان از کره شمالی خواستند برنامه تسلیحاتی خود را متوقف سازد و همچنان به پیمان منع تکثیر سلاح های هسته ای بایندد. این امر حالی است که گفتگوهای دیپلماتیک برای بررسی بحران کره همچنان ادامه دارد. واشنگتن روز ۱۰ ژانویه، به کره شمالی هشدار داد از سرگیری شلیک های موشکی می تواند رژیم "پیونگ یانگ" را بیش از این از جامعه بین المللی منزوی سازد. کره شمالی بیشتر اعلام کرده بود هر گونه اعمال تحریم از سوی شورای امنیت یا دیگر مراجع را اعلان جنگ علیه خود تلقی خواهد کرد.

### ونزوئلا

رهبر اعتصابیون ونزوئلا به منظور هماهنگی اقداماتش با آمریکا، راهی این کشور شد. "کارلوس اورتگا"، رئیس مرکز سندیکایی کارگران ونزوئلا، وارد آمریکا شد تا با مقامات وزارت خارجه این کشور دیدار کند. وی قرار است گفتگوهای نیز با سندیکالیست ها و مسئولان نهادهای خصوصی دولتی آمریکا داشته باشد.

مرکز سندیکایی کارگران ونزوئلا، به همراه فدراسیون کارفرمایان "فدکاماراس" و احزاب راستگرا که در ائتلاف "هماهنگی دموکراتیک" گردآمده اند، از دوم دسامبر اعتصابی را آغاز کرده اند که هدف آن وادار کردن رئیس جمهور، "هوگو چاوز" به استعفا و یا برگزاری انتخابات پیش از موعد است.

روز ۹ ژانویه، "چاوز" اعلام کرد نیروهای

"کاراکاس"، در جمع هزاران تن از هواداران خود اطمینان داد: "ارتشی وجود دارد که آماده جنگ برای ونزوئلا است." رئیس جمهور ونزوئلا به دشمنان هشدار داد که ممکن است "یک غول" را از خواب بیدار کنند، او تأکید کرد: "این انقلاب شکست نخواهد خورد، بلکه قوی تر هم خواهد شد و بر سر انقلاب معامله نخواهد شد." "چاوز" همچنین بار دیگر تأکید کرد که به خواست مخالفان برای استعفا و یا برگزاری انتخابات پیش از موعد پاسخ نخواهد داد.

### مکزیک

هزاران چریک مکزیک (زاپاتیستها)، در نهمین سالگرد قیام خود علیه دولت مکزیک و تئولیرالیسم، در "سن کریستوبال دلاس کاساس" دست به یک تظاهرات زدند.

این اولین باری است که زاپاتیستها با ۲۰۰ کامیون و عده ای تا ۳۰۰ کیلومتری با پای پیاده خود را به محل تظاهرات رساندند و سالروز قیام خود علیه دولت مرکزی را با راهپیمایی جشن گرفتند.

در اول ژانویه ۱۹۹۴، "سن کریستوبال" و بسیاری از دیگر شهرها به نسبت زاپاتیستها به فرماندهی مارکوس که برای حقوق سرخوستان "چاپاس" در جنوب مکزیک میجنگید، افتاد.

در نیمه شب اول ژانویه، در حالی که تظاهرکنندگان هزاران مشعل روشن کرده بودند، فرمانده "داوید"، یکی از فرماندهان زاپاتیست، گفت: "ما شعله انقلاب را بر آفروختم، قدرتمندان خواستند آن را خاموش کنند، اما هیچ کس نخواهد توانست نور امید را در دل سرخوستان و دیگر انقلابیون خاموش کند."

### ترکیه

ژنرال های ترکیه سرانجام سکوت خود در برابر سیاستهای دولت اسلامگرای "عبداله گل" را شکستند و به او و دولتش هشدار دادند. ژنرال "حلمی اوزکوک"، رئیس ستاد ارتش ترکیه، مخالفت خود را با تلاشهای کابینه اسلامگرایان برای کاهش قید و بندهای استفاده از حجاب اسلامی اعلام کرد. وی گفت: "عبداله گل" با اظهار مخالفت نسبت به اخراج نظامیان اسلامگرا، بدون شک کسانی را که در فعالیت های ضد لایک دخالت دارند، تشویق کرده است. "اوزکوک" روز ۸ ژانویه گفت: با هر حرکتی که سعی در

ملایم نخواهد بود. حجاب اسلامی در ادارات دولتی، مدارس و دانشگاه های ترکیه ممنوع است. "اوزکوک" همچنین اظهار داشت: "ما به ایمان مذهبی و نحوه بیان آن در در زندگی خصوصی افراد احترام می گزاریم، ما از هیچ کس بخاطر داشتن یا نداشتن عقاید یا شیوه عبادت انتقاد نمی کنیم."

### قبرس

بیش از ۶۰ هزار تن از ترک های قبرس، با برپایی تظاهرات در خیابانهای "نیکوزیا"، خواستار وحدت این جزیره و استعفای رئیس جمهور ملی گرای خود شدند.

این بزرگترین تظاهراتی است که از هنگام مداخله نظامی ترکیه در این جزیره و تقسیم آن در سال ۱۹۷۴ برگزار شده و تعداد بسیار زیادی از ساکنین منطقه ترک نشین در آن شرکت داشتند. اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری بخش ترک نشین، اعلام کردند دست به یک اعتصاب عمومی خواهند زد. همچنین مدارس و بازار تعطیل نیز بودند. تظاهرکنندگان خواهان استعفای "رئوف دنکناش" شدند.

### فلسطین

روز یکشنبه ۴ ژانویه، طی یک حمله هوایی - زمینی نظامیان اسرائیلی به اردوگاه های "مغازی" و روستای "زوابده" در بخش میانی نوار غزه، چندین نفر کشته و زخمی شدند. نظامیان همچنین بسیاری از خانه ها را ویران و عده زیادی را دستگیر کردند. در این اردوگاهها نزدیک به ۳۰۰۰ هزار نفر در چادر زندگی میکنند. آنها از امکانات آموزشی و بهداشتی بی بهره اند.

### فلسطین

نمایندگان حزب کارگر و حزب کمونیست مرتز اسرائیل، در لندن با اعضای هیات فلسطینی به منظور از سرگیری گفت و گوها بین دو طرف پس از انتخابات ۲۸ ژانویه، ملاقات کردند.

روان یونداک، یکی از برگزار کنندگان این دیدار اعلام کرد، مشاوران سیاسی حزب کارگر و مرتز و همچنین معاونان وزیران فلسطینی در این گفتگو که نخستین مورد آن پس از آغاز اتفاضة در سپتامبر سال ۲۰۰۰ به شمار میرود، شرکت کردند.

## در گوشه و کنار جهان

## کارنامه یک هفته تبهکاری

## نبرد خلقنبرد خلق

ارگان، سازمان، چریکهای فدایی، خلق، ایران،  
مدیر مسئول: زینت میرهاشمی  
تحریریه: لیلا جدیدی

منصور آمان،

زینت میرهاشمی،

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان متعلق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای اشتراک نبرد خلق با آدرسهایی نبرد خلق تماس بگیرید

بهای اشتراک سالانه

۱۷ یورو

۲۴ دلار

۴۰ دلار

۳۰۰۰۰ تومان

۱۱۰۰۰۰۰ ریال

اروپا معادل  
آمریکا و کانادا و سوئد  
استرالیا  
تک شماره  
فائده

## آدرس نبرد خلق

## در شبکه جهانی اینترنت

www.iran-nabard.com

E.Mail:nabard@iran-nabard.com

## جنگ خبر

www.jonge-khabar.com

## اخبار روزانه در جنگ خبر مطالعه کنید

## جنگ صدا

## اخبار و تفسیر خبری و سیاسی رویدادهای هر

## هفته را بر روی شبکه اینترنت گوش کنید

## جنگ صدا روزهای سه شنبه روز آمد می شود

http://www.jonge-seda.com

## رخساره های امپریالیسم ...

بقیه از صفحه ۱۲

برچسب تروریستی زده و مورد هدف قرار داد. قیامهای مردمی مانند FARK و ELN در کلمبیا از هم اکنون به عنوان گروههای تروریست نام گذاری شده، و در نتیجه انبوهی از نیروهای ویژه ایالات متحده و کمک های تسلیحاتی برای سرکوب آن ها به آن کشور فرستاده شده است.

(ادامه دارد)

بقیه از صفحه ۱۸

## اسرائیل

در گزارش سالانه ناظران حقوق بشر، رژیم اسرائیل به قتل عمد و غیر قانونی فلسطینیان متهم گردیده است. این در حالی است که نیروهای اسرائیلی همچنان به حملات خود علیه مردم بی دفاع ادامه می دهند.

## ایتالیا

رانندگان وسیله نقلیه عمومی شهری، اتوبوس، مترو و تراموا در سراسر ایتالیا به مدت ۲۴ ساعت دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کنندگان بهتر شدن شرایط کار، افزایش دستمزد و لغو مصوبه هیئت دولت در تغییر بند ۱۸ قانون کار که دست کارفرمایان را در اخراج کارکنان خود باز می گذارد را خواستار شده اند.

## آفریقای جنوبی

رئیس جمهور آفریقای جنوبی، "تابوامبکی"، طی سخنرانی خود در کنفرانس حزب حاکم کنگره ملی گفت: راه درازی تا رسیدن به جامعه ای عاری از نژادپرستی باقی مانده است. به رژیم آپارتاید، ۹ سال از پایان آپارتاید، سفیدپوستان همچنان بخش اقتصادی کشور از جمله زمین ها را در اختیار دارند و ثروت، درآمد و فرصتها در کشور، همچنان بر اساس نژاد توزیع می شود.

رئیس جمهور آفریقای جنوبی همچنین بر لزوم ائتلاف حزب کنگره ملی با حزب کمونیست و سندیکاهای کارگری تاکید کرد و در باره رشد فساد مالی و اداری و مقام پرستی در میان اعضای حزب هشدار داد. "تابوامبکی" مجدداً به عنوان رهبر حزب حاکم کنگره ملی آفریقا، برگزیده شد.

## سایه روشنهای بودجهی سال ۸۲

بقیه از صفحه ۹

بخش خصوصی بود. برطبق قانون بودجه سال ۸۱ قرار بود که ۱۵ هزار میلیارد ریال از این محل به صندوق درآمدهای دولت واریز شود که در عمل، فقط ۱۵ درصد این پیش بینی محقق شد که این امر باعث کسری بودجه پیش از موعد دولت گردید. با توجه به یک چنین عملکردی از جانب شرکتهای دولتی هیچ مشخص نیست که دولت با چه ایزار جدیدی در سال ۸۲، در انتظار درآمد ۱۶ هزار میلیارد ریالی، از محل واگذاری شرکتهای دولتی به بخش خصوصی است. با توجه به موارد ذکر شده باید در انتظار تصمیمات مجلس در خصوص مصوبه بودجه سال ۸۲ بود، هر چند که انتظار نمی رود در

بقیه از صفحه ۲۰

- حکم قطع انگشتان دو متهم به سرقت در کرمان، به در خواست مال باختگان و در اجرای حد الهی "به دستور دیوان عالی کشور صادر گشت.

- یک مرد ۲۵ ساله از سوی رئیس شعبه ۲۷ دادگاه انقلاب اسلامی، به دلیل " آدم ربایی، عمل منافعی غت و اخلال در نظم عمومی"، به اعدام، یازده و نیم سال حبس و تحمل ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

- در شهرستان اهر، سه تن به اتهام عملیات

مسلحانه علیه ماموران دولتی به اعدام سپرده شدند.

- سازمان عفو بین الملل، مجازات قطع اعضای بدن

چهار جوان ایرانی را محکوم کرده و گفت در سال

۲۰۰۲ این سازمان ۹ مورد قطع اعضای بدن به حکم

دادگاه های قوه قضائیه جمهوری اسلامی را به ثبت

رسانده است، اما تعداد احکام قطع عضو ممکن است از

این رقم بسیار بیشتر باشد. عفو بین الملل، قطع

اعضای بدن را به عنوان حکمی غیرانسانی و نوعی

شکنجه محکوم کرد. ناگفته نماند که اخیراً شورای

تجهیزان طرح منع شکنجه را برای سومین بار رد کرده

است.

علاوه بر این احکام ناعادلانه که وضعیت حاکم بر

سیستم قضائی جمهوری اسلامی را بازگو می کند،

رژیم با استفاده از تدابیر دیگری مرتکب قتل های

دستجمعی نیز می گردد برای مثال:

تصادف سوال برانگیز یک اتوبوس عازم بندر عباس

که به کشته شدن ۱۲ دانشجو و ۳ استاد و ۱۸ نفر

مجروح منجر گردید و همچنین آتش سوزی زندان

گرگان که موجب مرگ ۳۰ زندانی شد. هنگامی که

بمبختص شد این آتش سوزی زندان سیاسی که

زندانیان آن حاضر به توبه نمی شدند صورت گرفته

است، غیر واقعی بودن توضیحات حکومت پیرامون

چگونگی به آتش کشیده شدن زندان (اتصال سیم

برقی)، بیشتر آشکار گردید.

این اقدامات رژیم، بیاترگ نشانستن خواست و توان

جدی گرفتن آنچه که بعنوان حقوق بشر مورد

شناسایی بین المللی قرا گرفته است، می باشد از این

رو افشاکاری در مورد نقض حقوق بشر توسط رژیم

جمهوری اسلامی، همچنان در زمره و ظایف مبرم

همه نیروهای ایرانی در داخل و خارج قرار دارد.

## مطالب و نامه های رسیده

آقای محمود وحیدی، مطلبی در سالگرد رفقای فدایی شهید، حسرو گلسترخی و کرامت دانشیان ارسال نموده است که در شماره آینده از این استفاده خواهد شد. همچنین اشعاری از این دوست گرامی رسیده است که امیدواریم در فرصت مناسب استفاده شود.

آقای ب. دهقان مطلبی با عنوان «ارتباط» در رابطه با زندگی یک رفیق شهید ارسال نموده است. متأسفانه این سرگذشت با حروف اول اسم رفیق شهید نوشته شده است. ضمن تشکر از دوست گرامی آقای ب. دهقان، نبرد خلق خاطرات و زندگی نامه رفقای شهید را با نام

